



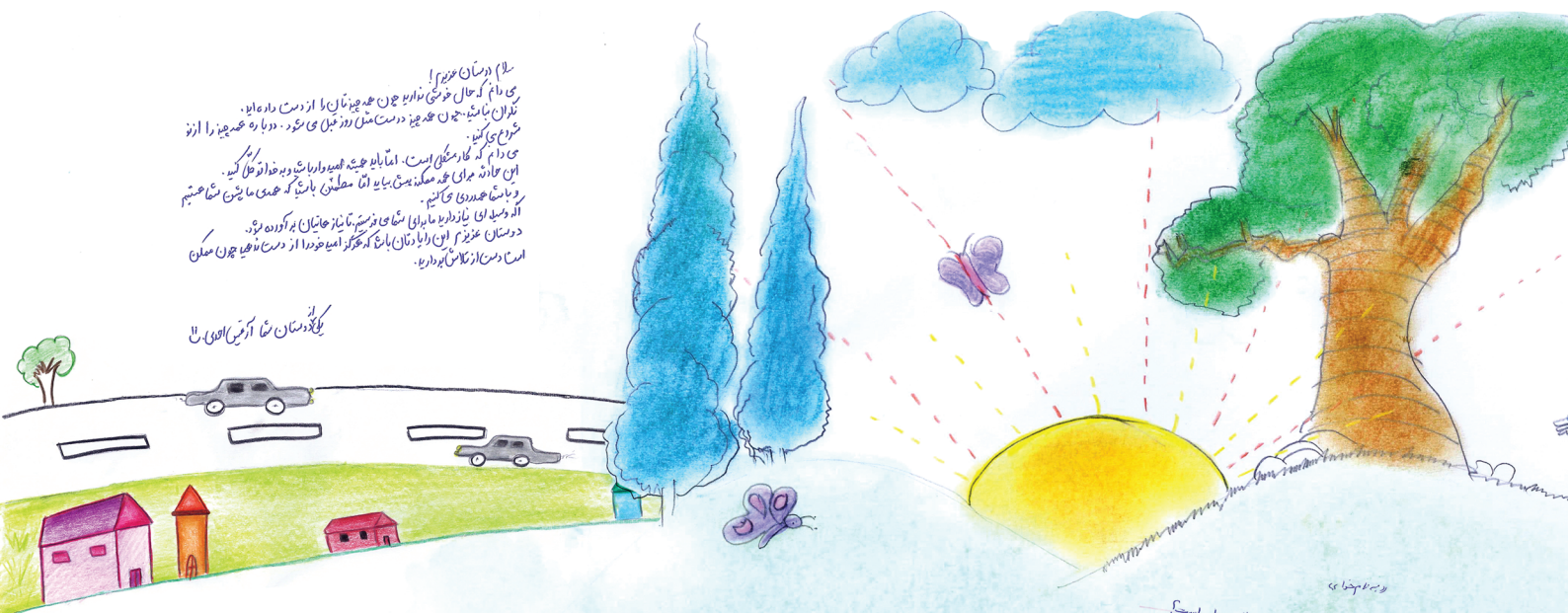
سازمان کسترش و نو سازی صنایع ایران

نقاشی، کاریکاتور و نامه های فرزندان عزیز همکاران ایدرو (به مناسبت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی)

مدیریت ارتباطات، بهمن ۱۳۹۸

سلام درسان عزیزم!
می دانم که حال خوبی ندارم چون همه چیز مان را از دست داده ایم.
تو الان نامشروعی چون همه چیز دست مثل روز قبل می شود... دوباره همه چیز را از دست
ممنوع می کنی.
می دانم که کار مشکلی نیست. اما باید همیشه همه دارا بشوید و خدا تو را بخشد.
این حادثه برای من مشکلی نیست، باید از آن مطمئن باشم که همه ما پیش من هستیم
و با ما همه دردی می کنیم.
آه و صدای ناله دریا ما را می شنود، تا ناله جانمان بر آگوده بود.
دوستان عزیزم (من را با زبان بارش که چگونه امید خود را از دست ندهیم چون معلوم
است درص از تلاش بر دارم.

گلستان شاد از من است

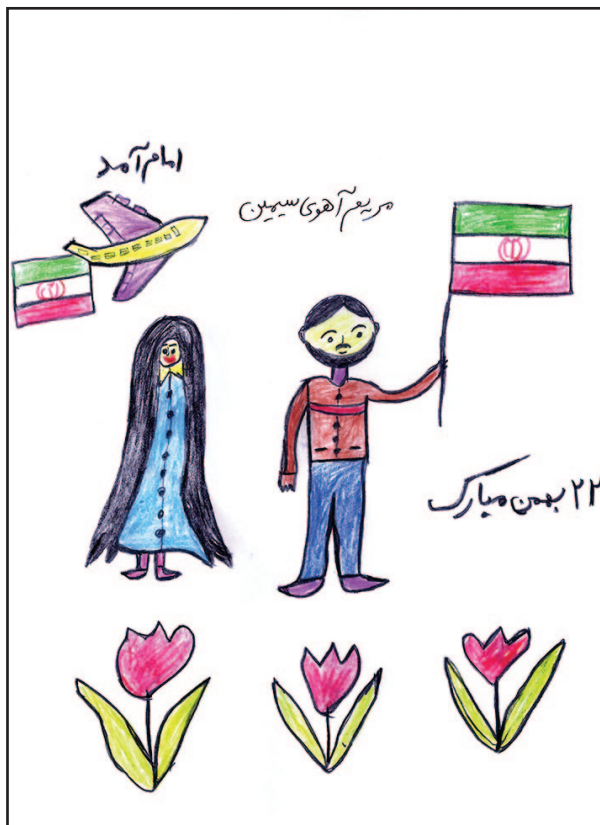
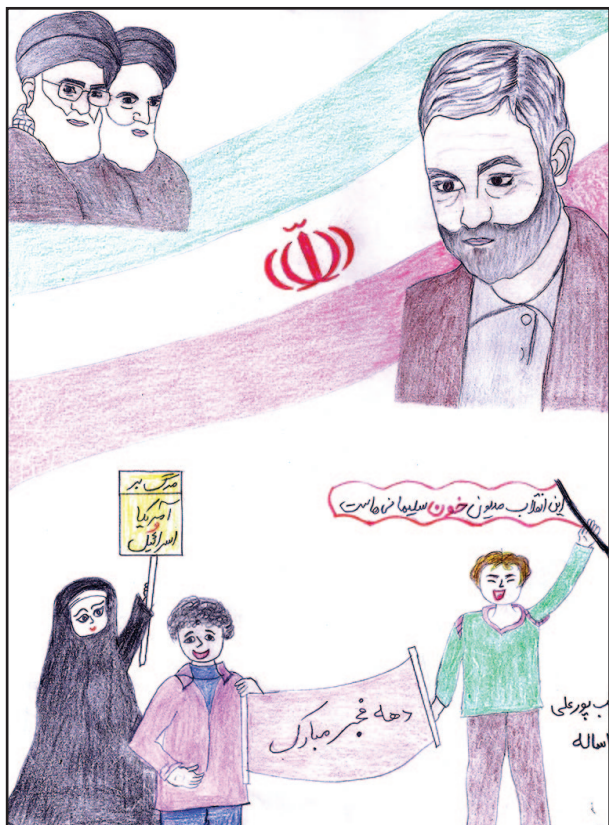
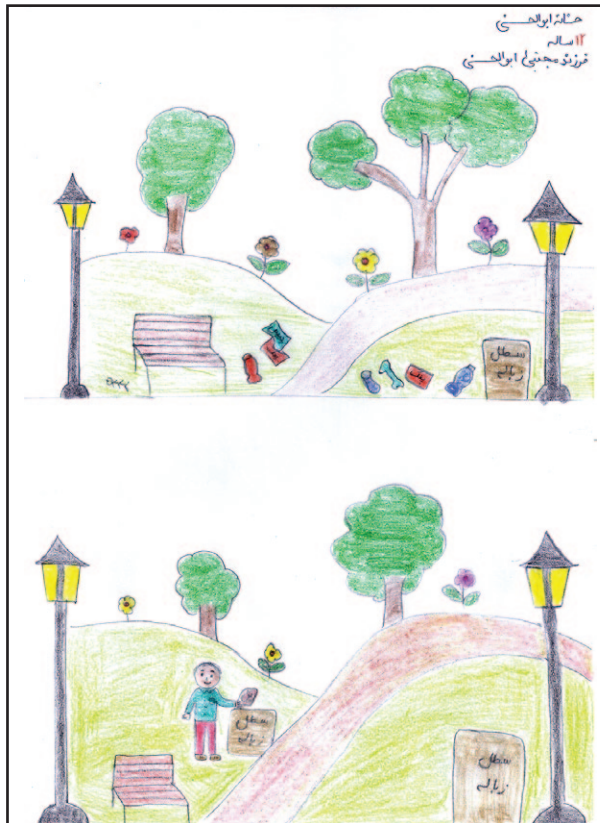


«بزرگوار»

تقدیم به تو دوست سیمین بیچستان... دوست سرور سلام... حالت چطور است؟
من می گم که تو به نظر آهمن سبیل خاترو بر سر نهایی... ما بیچستان ایران را تو دوست
سیمینان بیچستانی خاترو بر سر است را در پیش سلام... اینجا نگاه خوش باشی.
تو چنان که رنگی خوب بافتت باشی... من دوست دارم تو همیشه شاد باشی. ♥

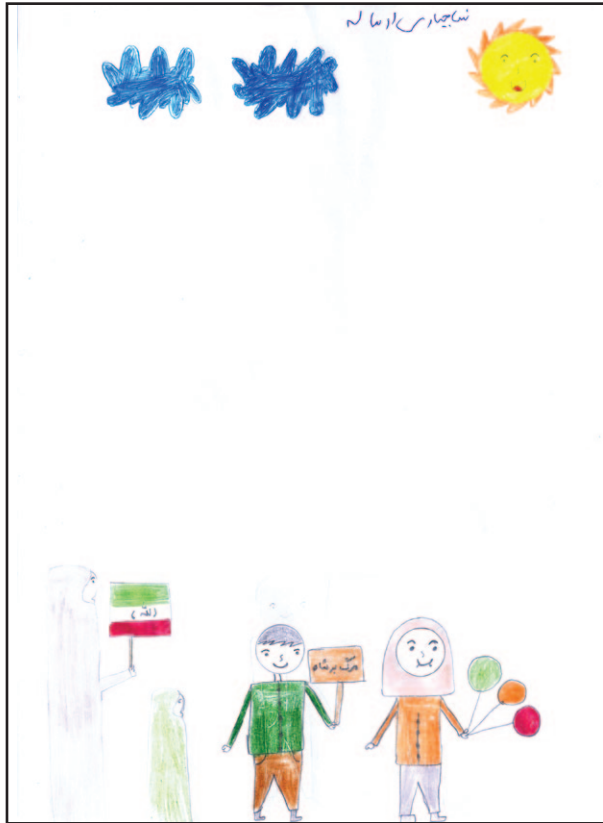


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





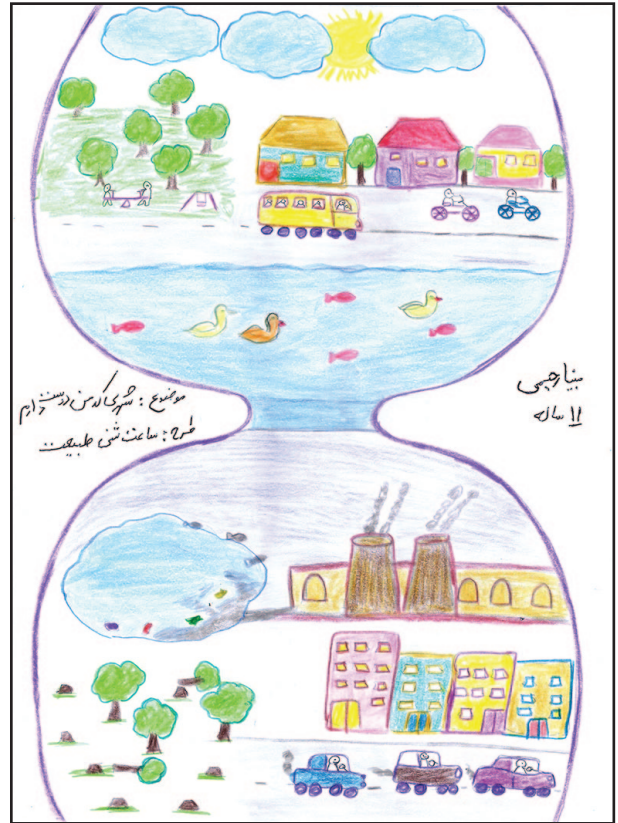
سازمان کوشش و نوآوری صنایع ایران







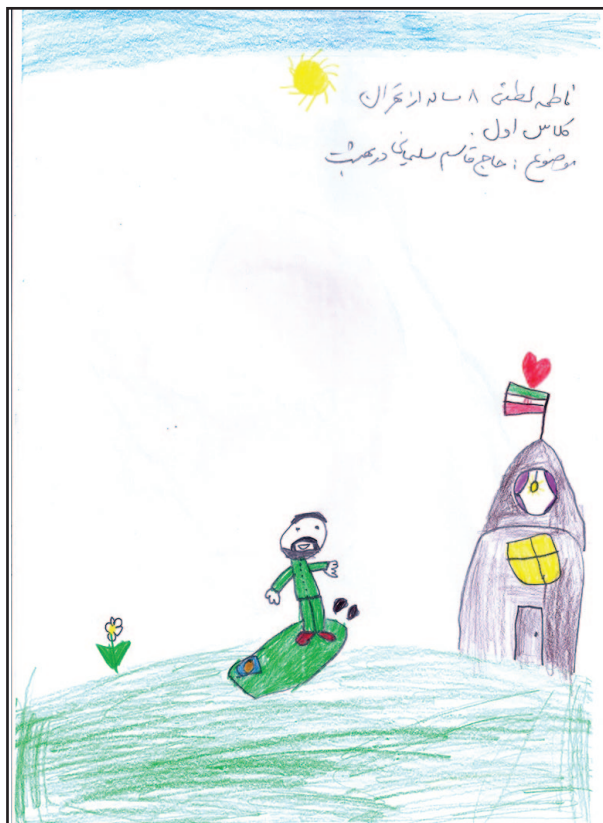
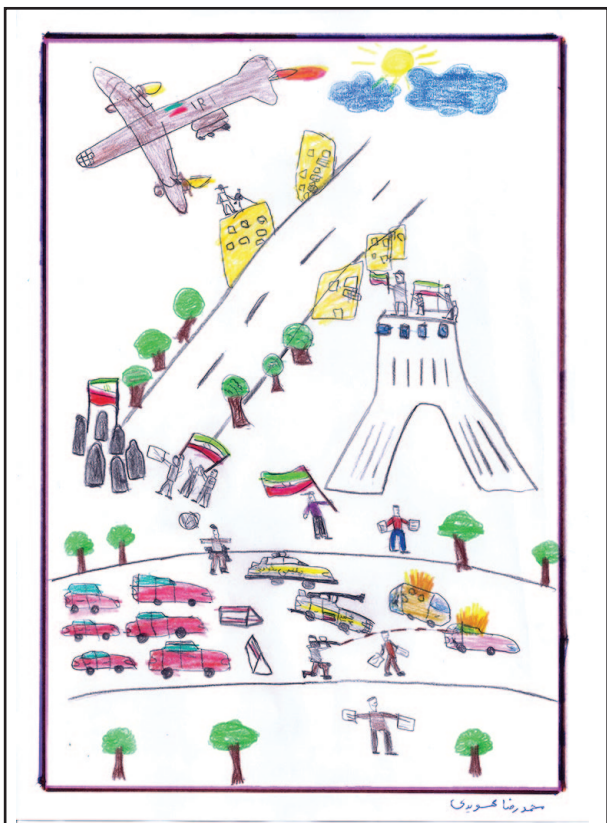
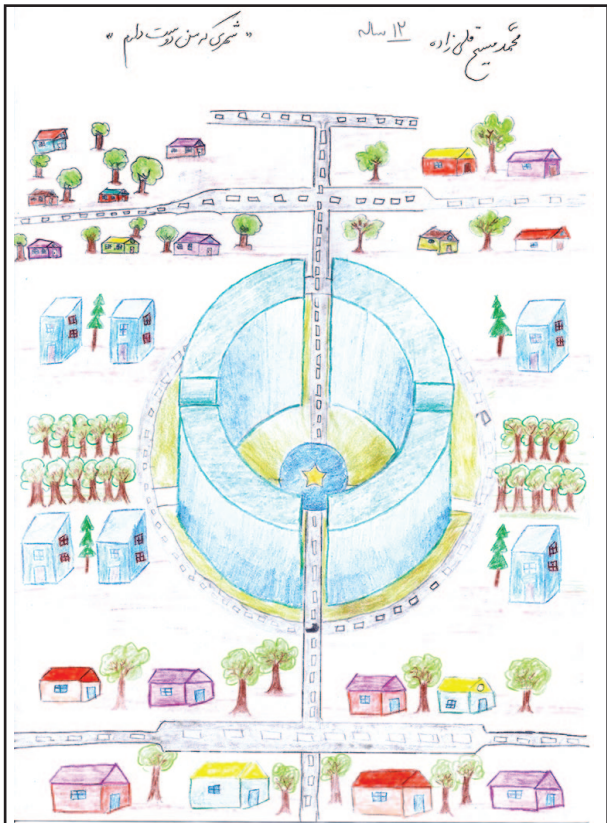
سازمان کوشش و نوسازی صنایع ایران





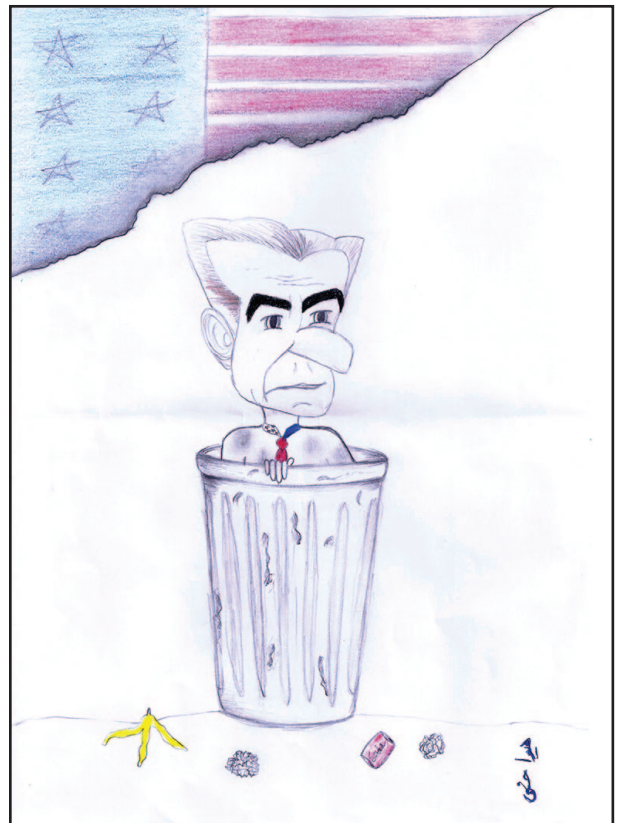
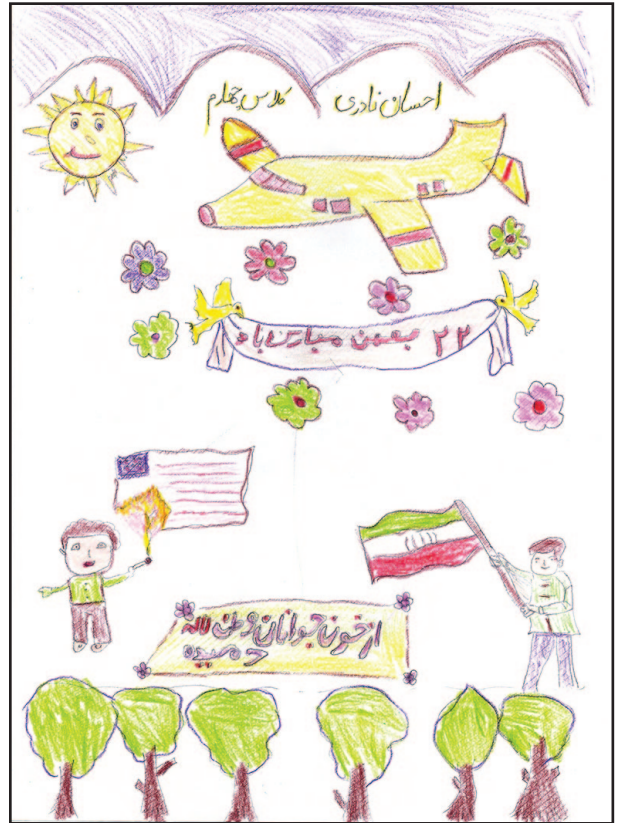
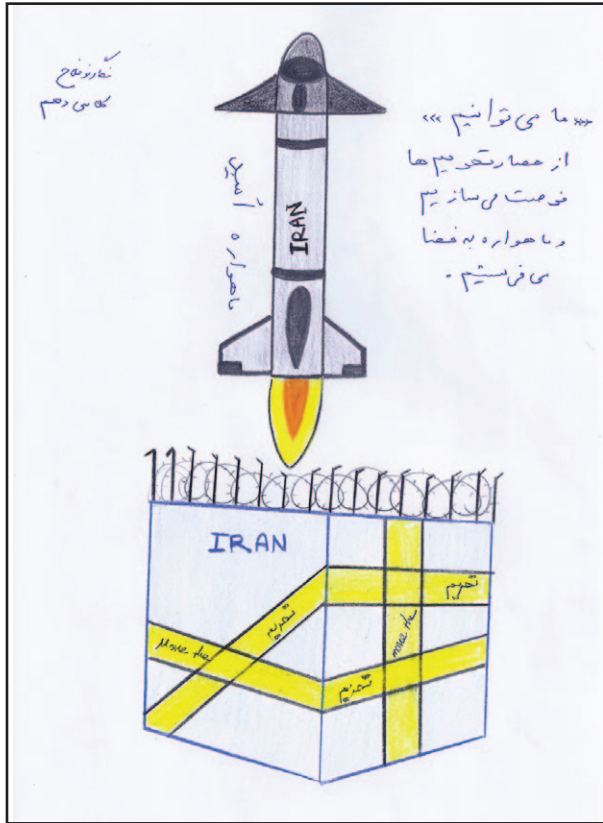
سازمان کتورش و نوسازی صنایع ایران





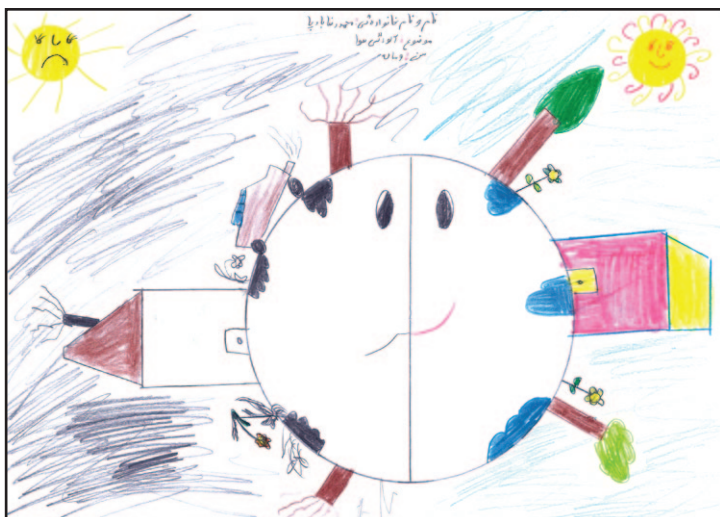
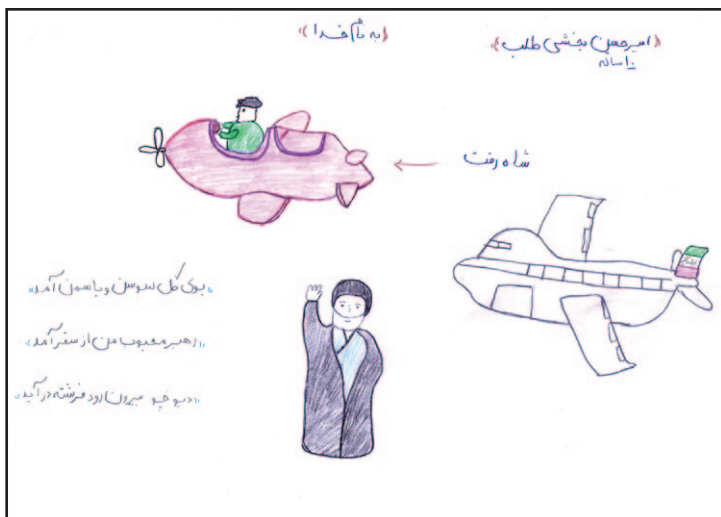


سازمان کتورش و نوسازی صنایع ایران



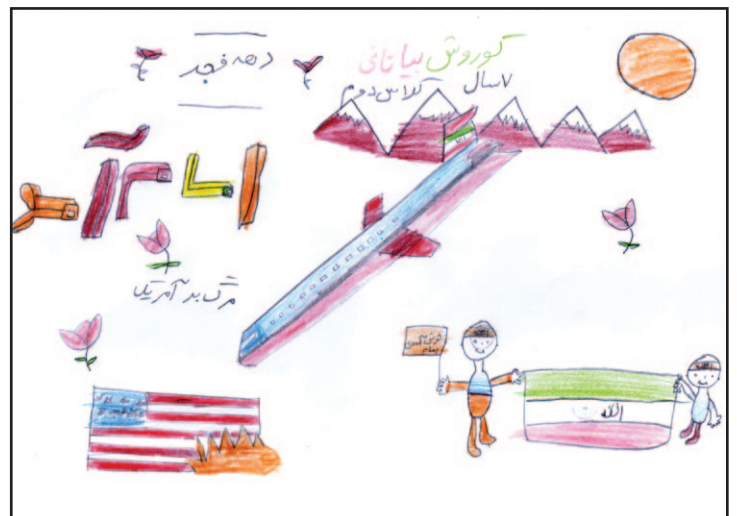
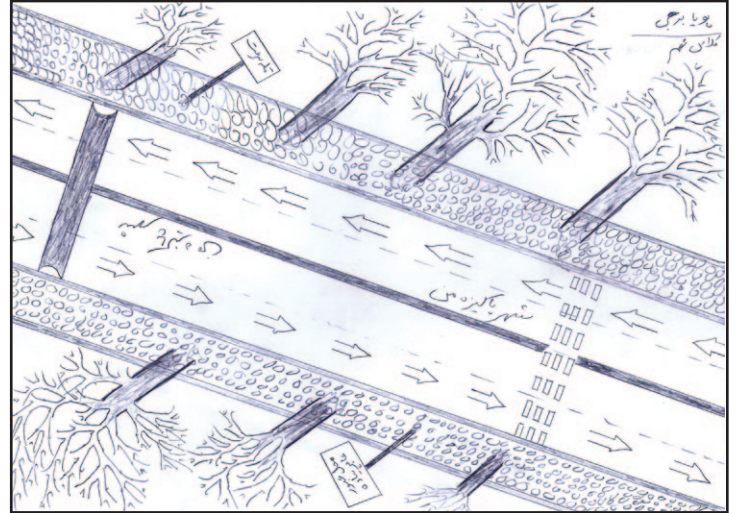
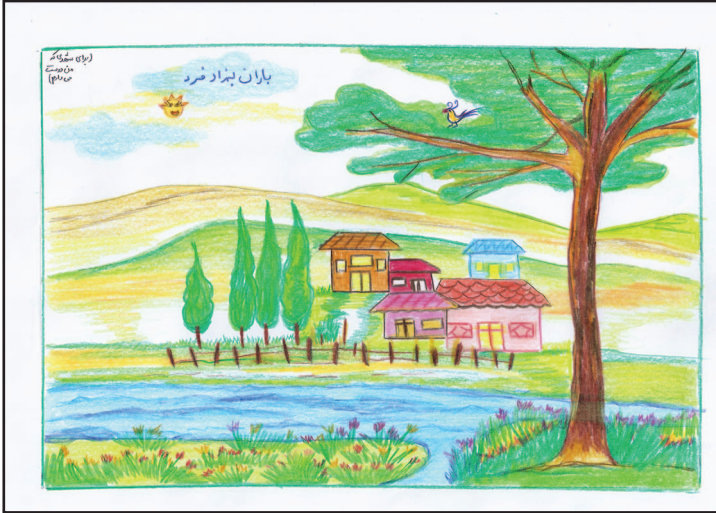


سازمان کوشش و نوآوری صنایع ایران



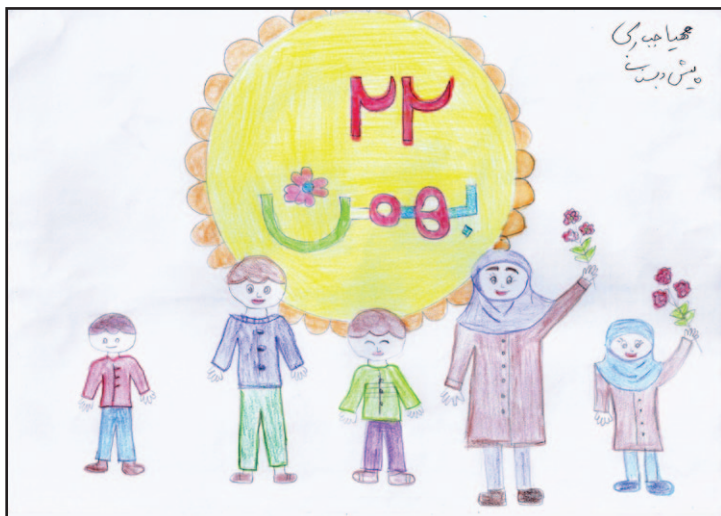
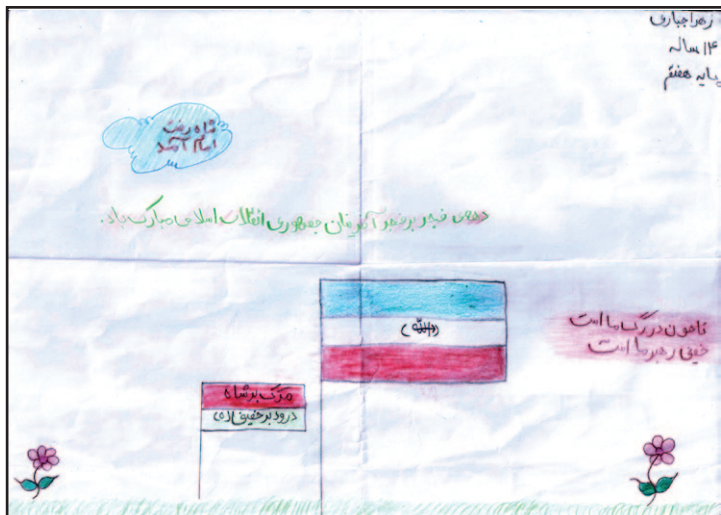


سازمان کتشف و نوسازی صنایع ایران



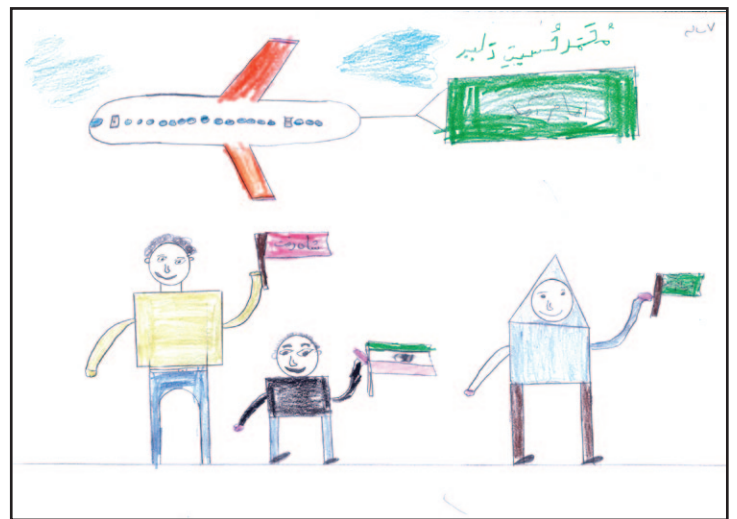
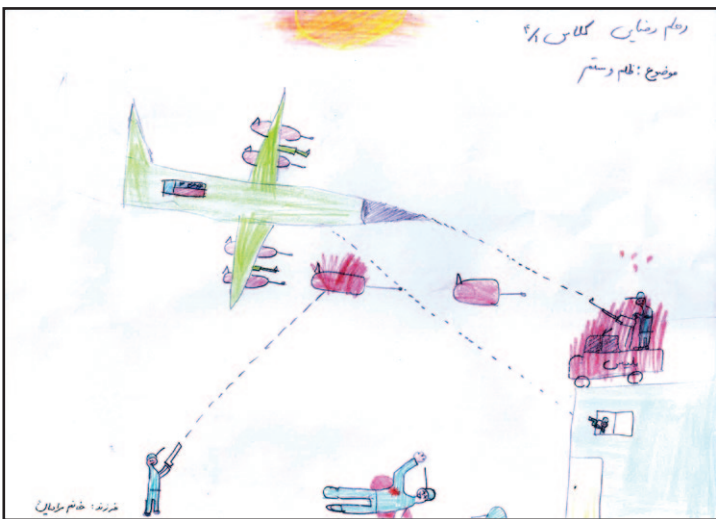
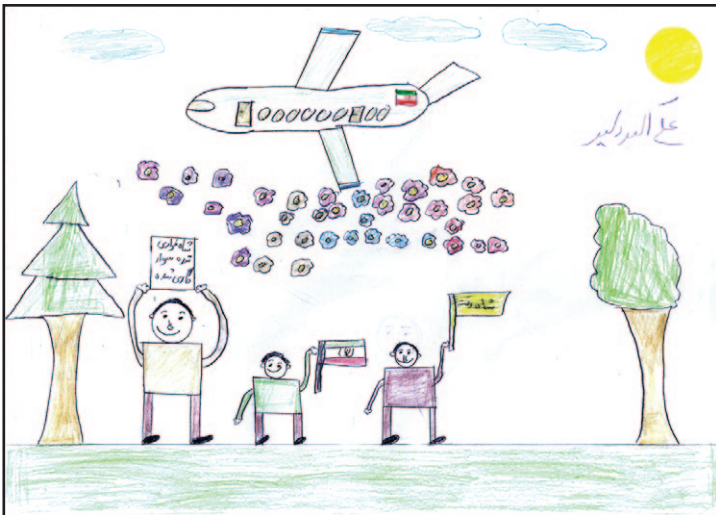


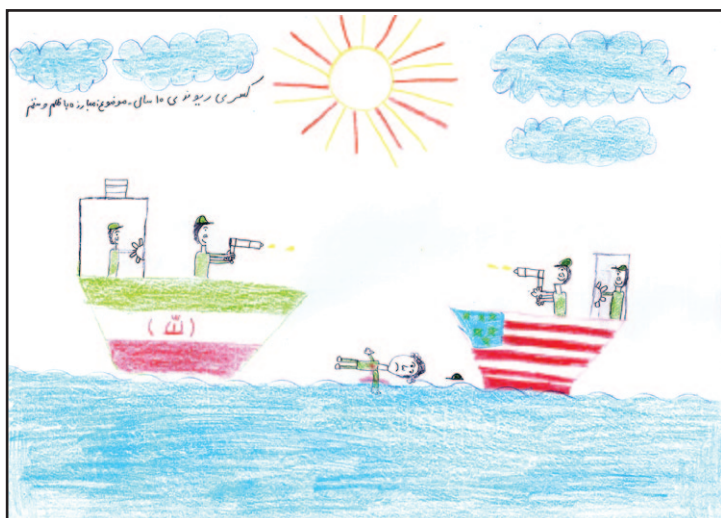
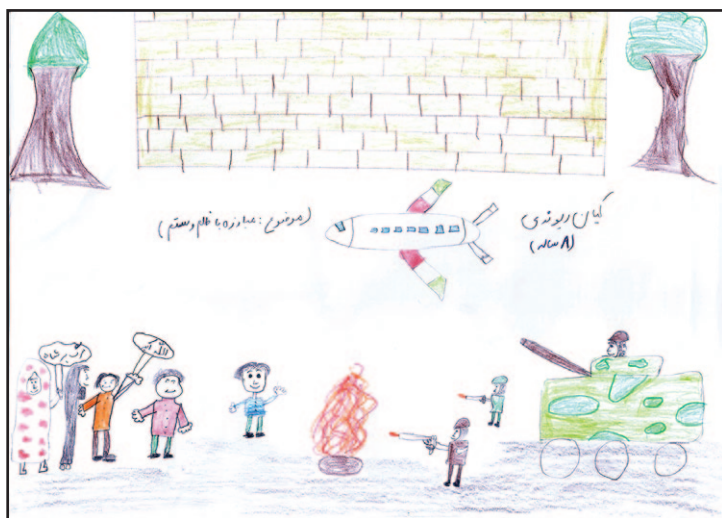
سازمان کشوری و شهرداری‌های مینمایان ایران





سازمان کتشف و نوسازی صنایع ایران

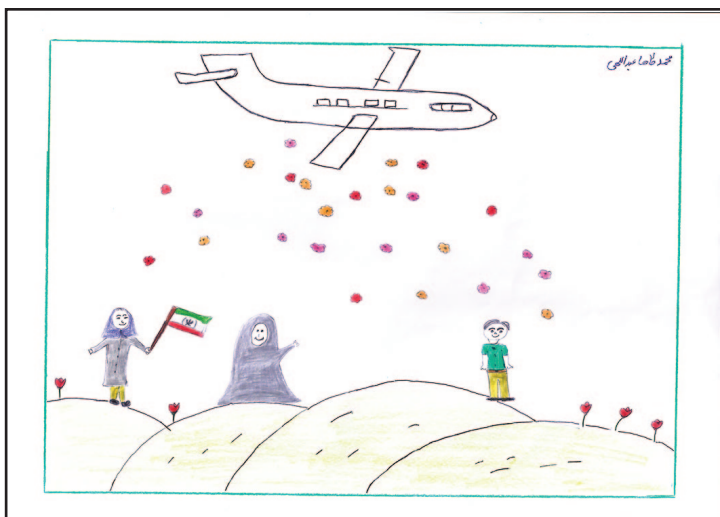
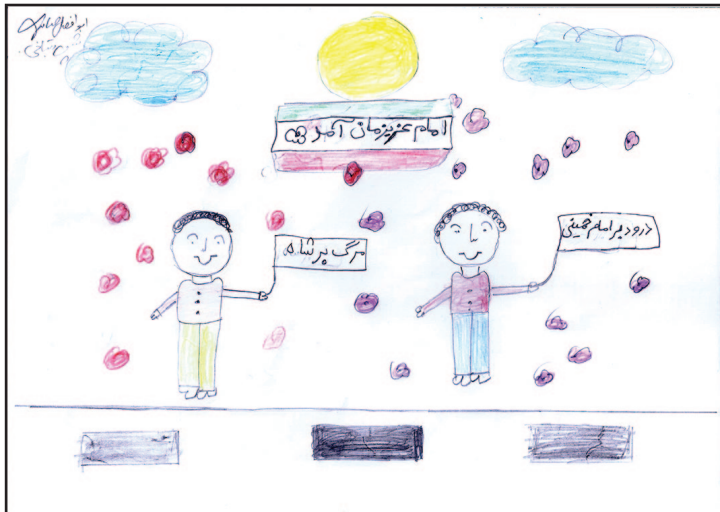






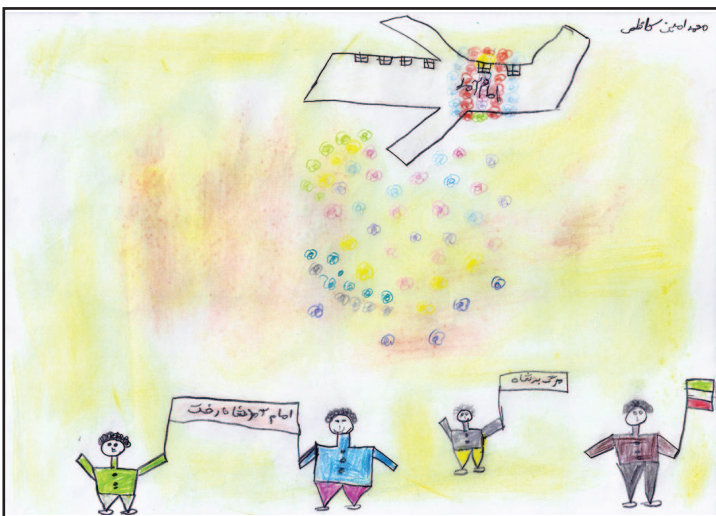
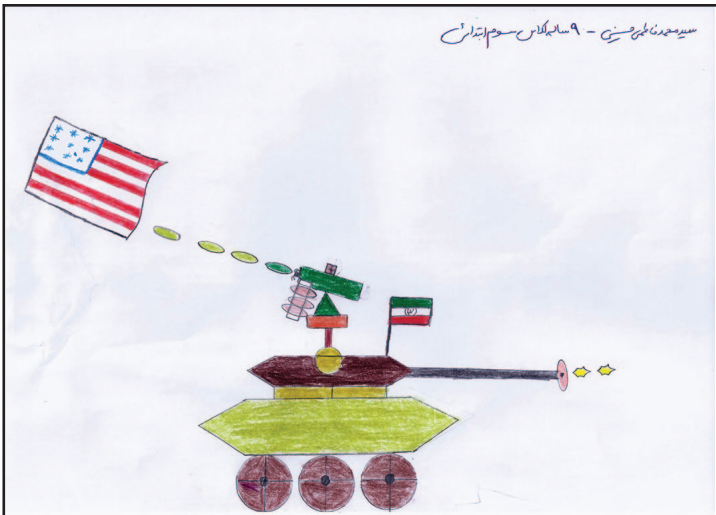
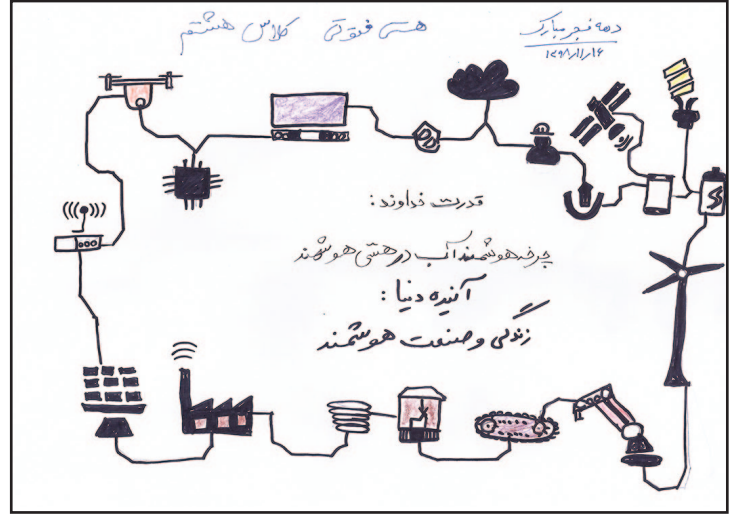
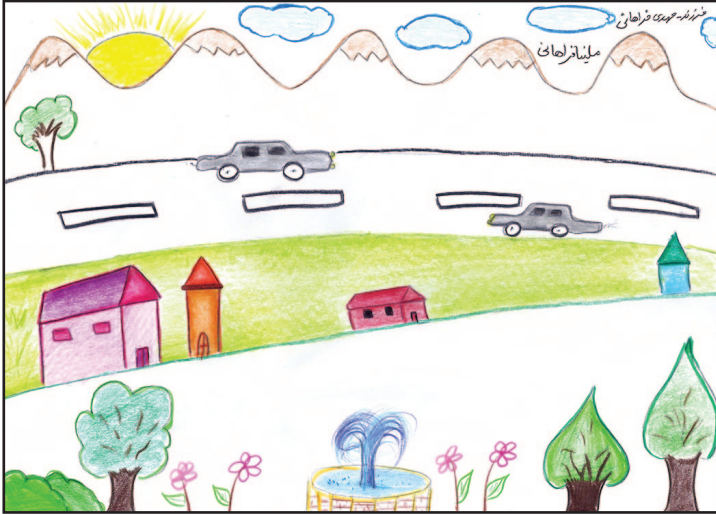
سازمان کسترش و نوآوری صنایع ایران

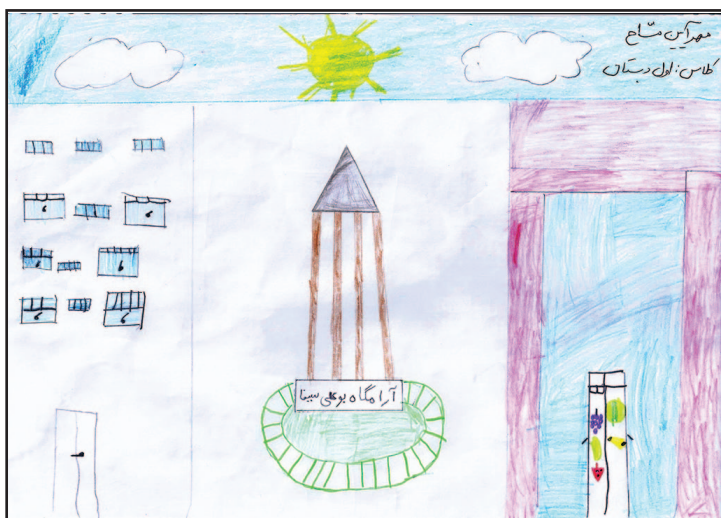
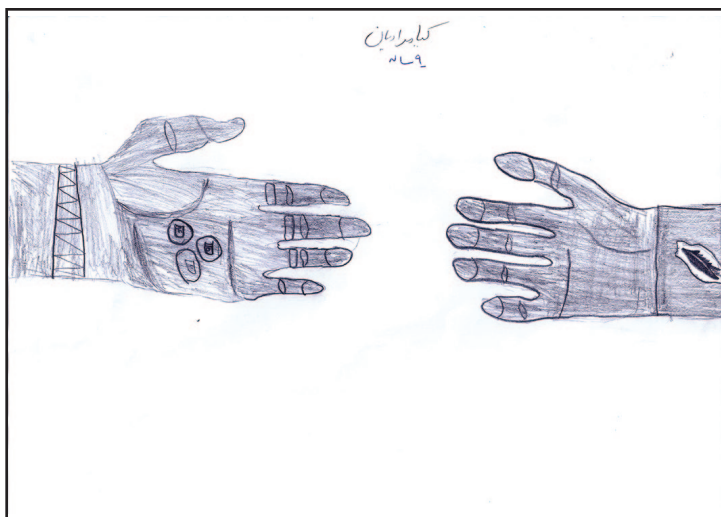






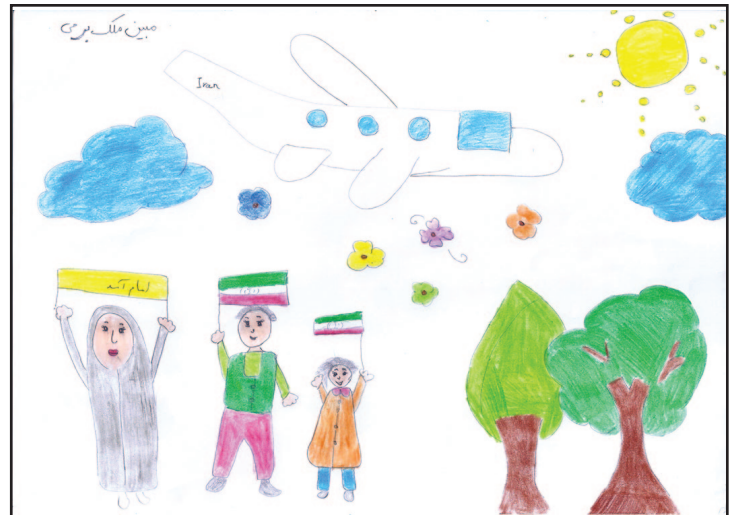
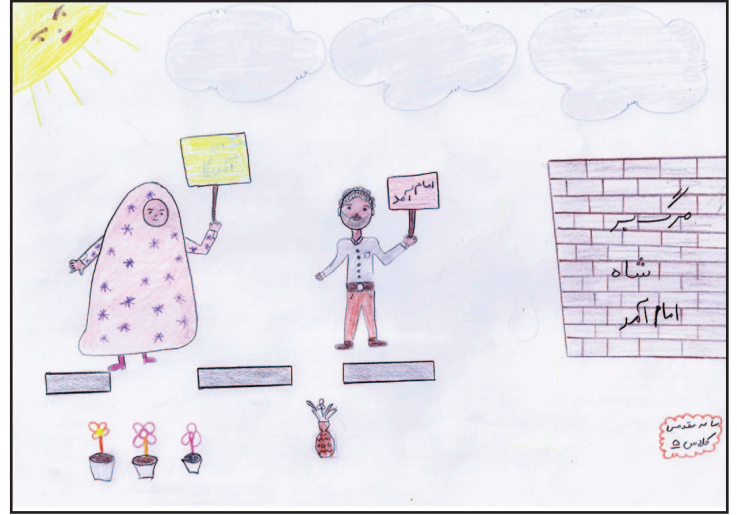
سازمان کسترش و نوآوری صنایع ایران





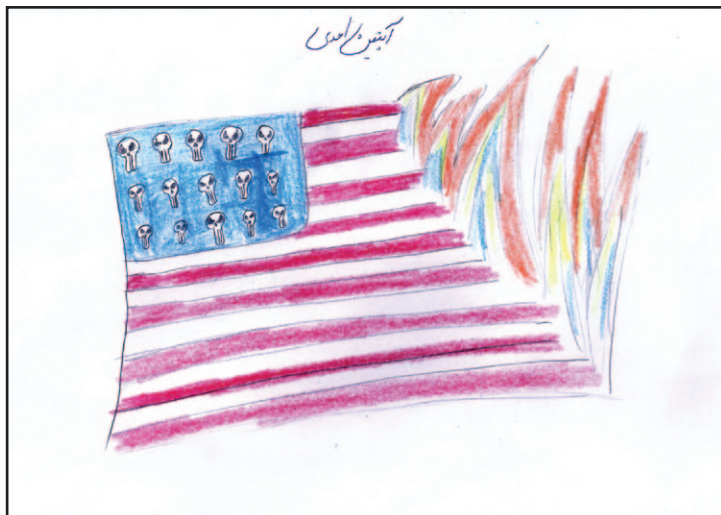


سازمان کوشش و توانمندی صنایع ایران



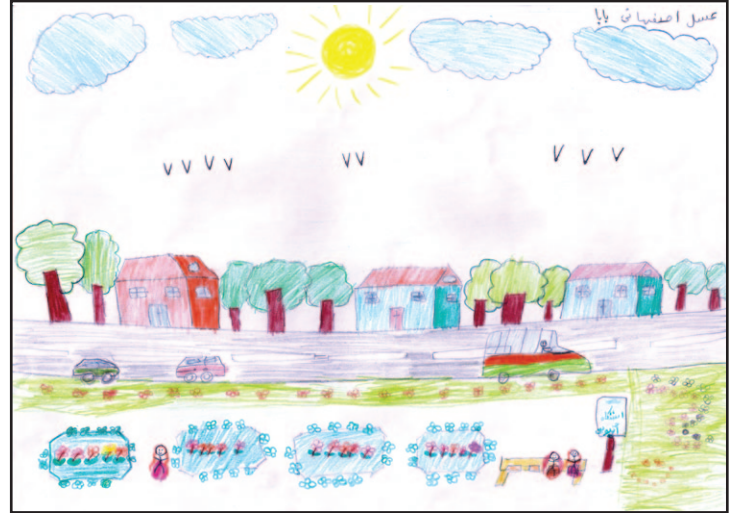


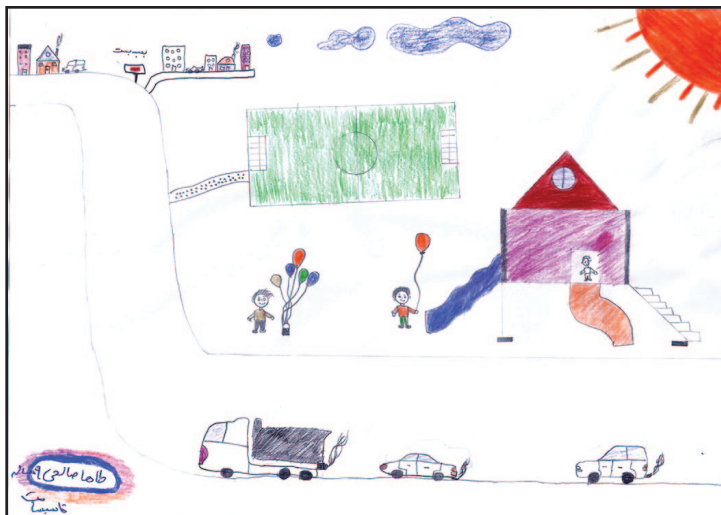
سازمان کوشش و نوآوری صنایع ایران





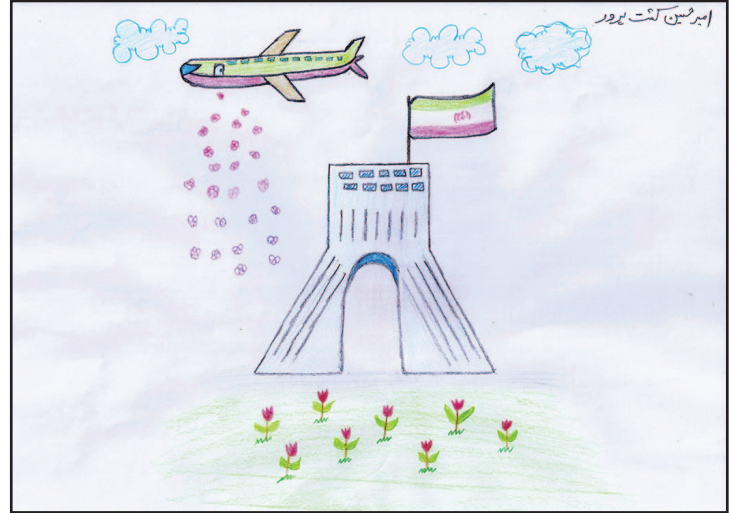
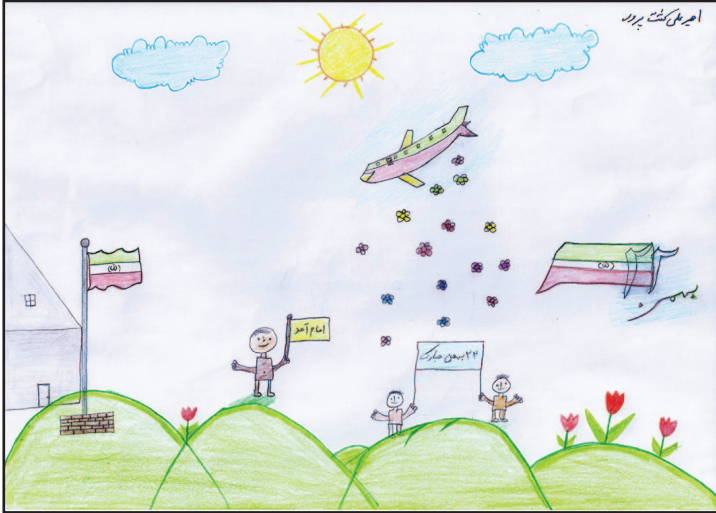
سازمان کثرف و نوسازی صنایع ایران

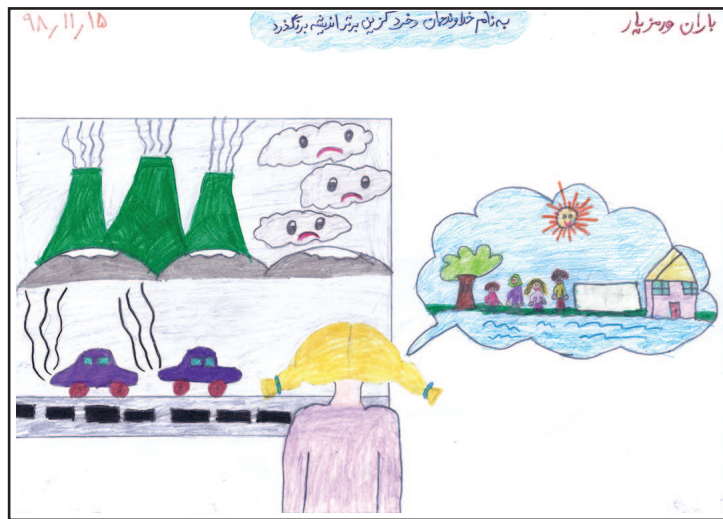
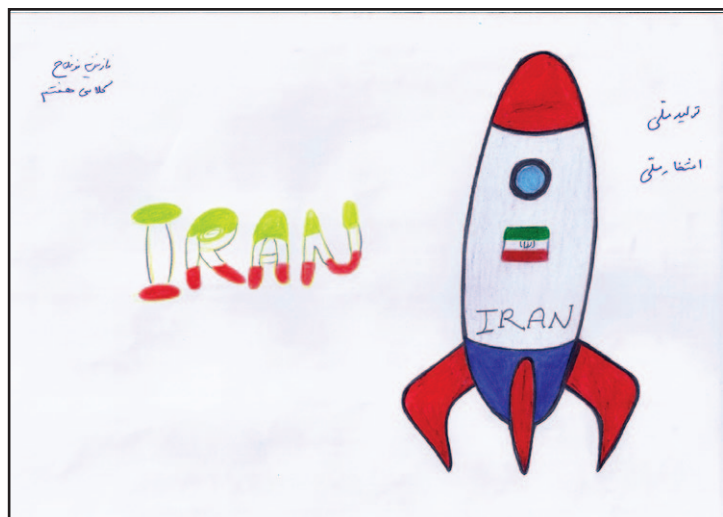
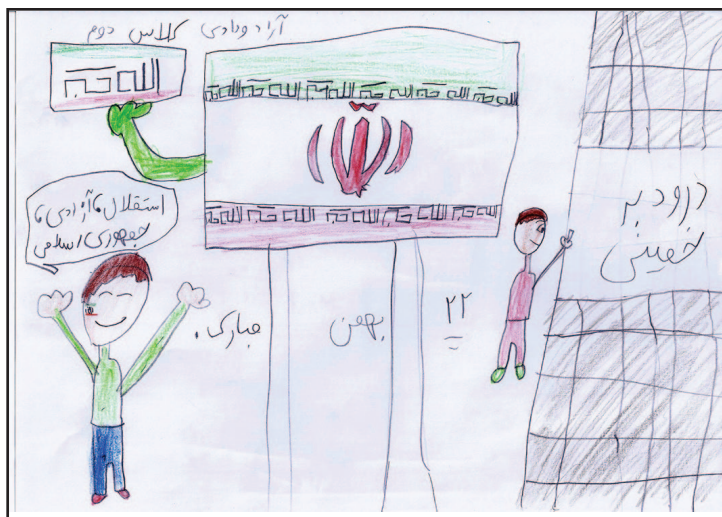
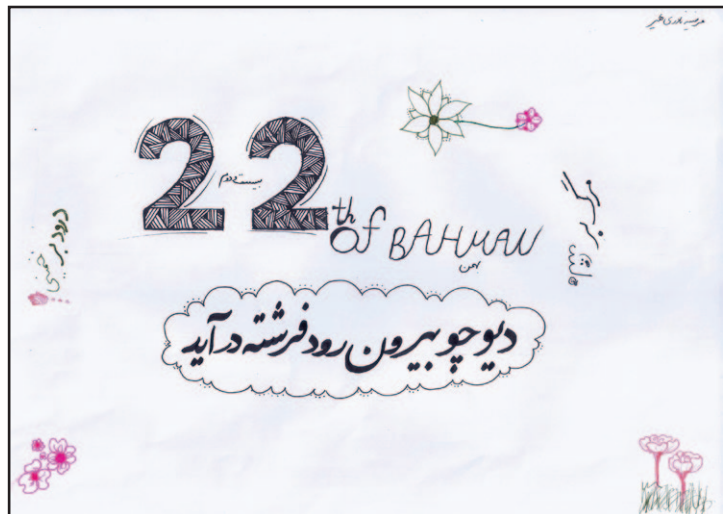






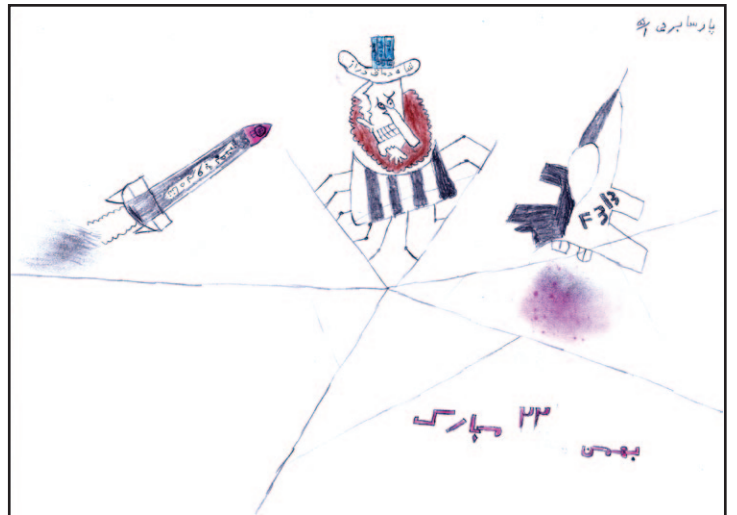
سازمان تشریح و ترویج هنرهای کودکان ایران

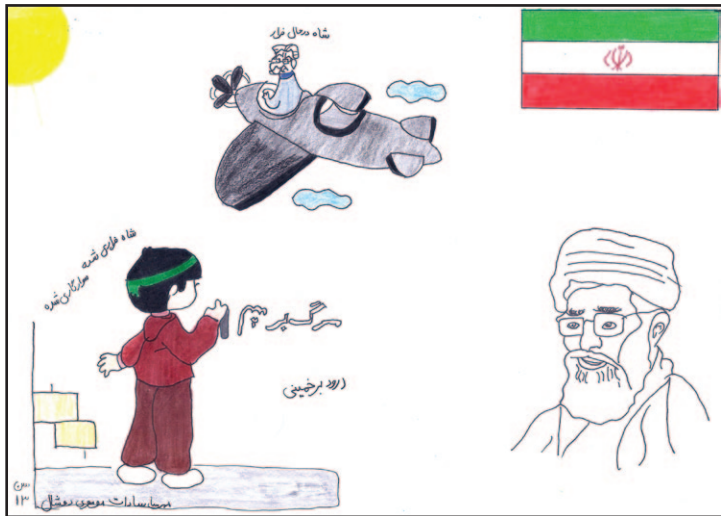
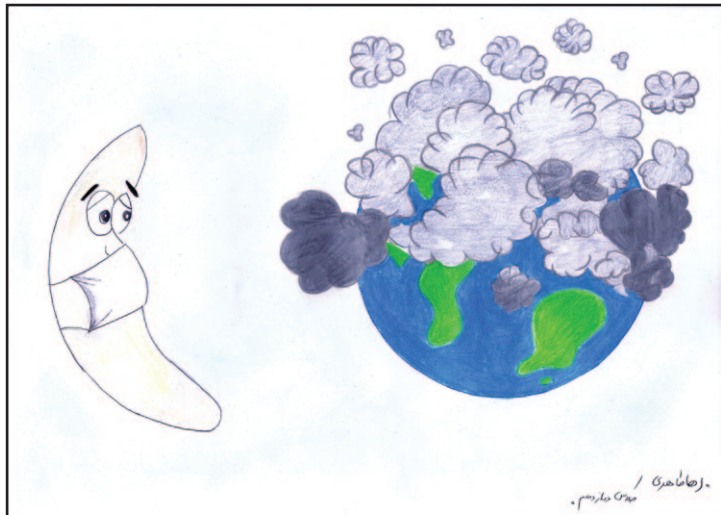






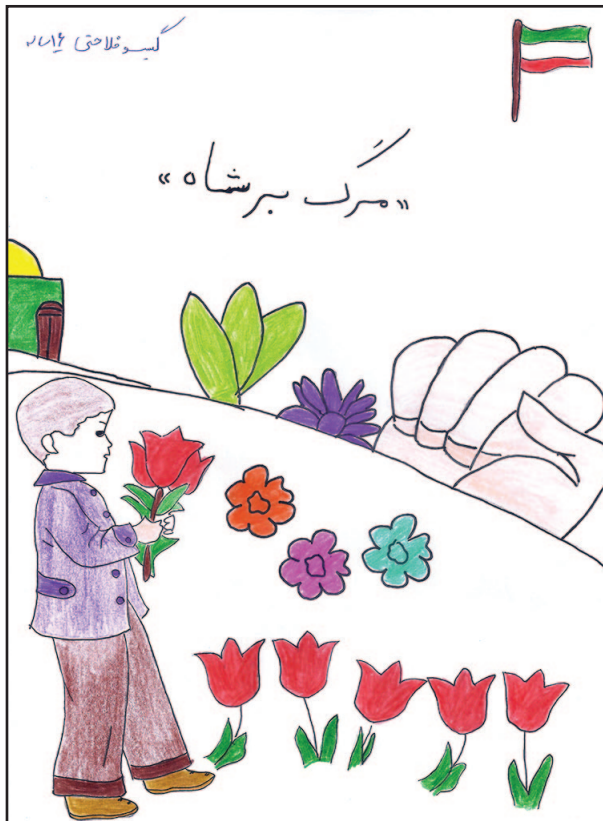
سازمان کتشرش و نمازی صنایع ایران







سازمان کتورش و نوسازی صنایع ایران





نامه های فرزندان همکاران ایدرو به کودکان سیستان و بلوچستانی به مناسبت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

سلام دوست بلوچستانی عزیزم

سلام به بهترین همشهری من که یکی ۱ ساله هستیم و در کلاس سوم درس می خوانیم. می دانم الان شما در شرایط سختی زندگی می کنید. دوست عزیزم وقتی شرایط شما را از تلویزیون می دیدم خیلی دلم گرفت که چرا برای همکاران من در سیستان و بلوچستان اتفاقاتی افتاده است؟ برای همین تصمیم گرفتم نامه ای بنویسم که در آنجا بگویم چرا دلم میخورد و امیدوارم برای شما تسکین کننده باشد.


امیدوارم با همکاری یکدیگر بتوانیم مدرسه ها و خانه ها را ترمیم کنیم.

امیدوارم در سال های آینده بتوانید به راحتی به مدرسه بروید و با دفتر و کتاب های جدید و نو درسی ها را یاد بگیرید. خود را ادامه دهید.

آرزوی من از شما این است که دیگر شاهد همین اتفاقاتی برای هیچ کس از دوستانم نباشم.

واللهی آمین

دوست دار شما
حدیثه ملایی



سلام دوست عزیزم

ای نامه فرزند عزیزم

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه منی کنم باز سلام دوست عزیزم با اینکه نمی دانم نام تو چیست ولی دوست دارم چند جمله ای در این نامه برای تو بنویسم و با تو هم دردی کنم. زمانی که شنیدم در شهر شما سیل آمده است بسیار ناراحت شدم و به پدر و مادرم گفتم: ای کاش این اتفاق برای هیچ شهری و شهرت نی افتاد و از خدا خواستم که برای هیچکس از این اتفاقات نیفتد. مادرم به من گفت: در ماهیاید در این موقعیت ها به هم و وطنمان کمک کنیم. من نیز تصمیم گرفتم از پدرم پس از آنکه همراه این نامه برای شما بفرستم پدر و مادرم گفت های خود را ارسال می کنند و با مشارکت مردم ایران می توانم آنچه شما می کنید ای باشد همه این اتفاقات یک خواب بود به خدا امیدوار باشید

دریای خزر

دریای عمان



«به نام خداوند متعال و بزرگوار»

سلام ای پسر سیستان بلوچستان!

امید دارم که حالت بهتر باشد. این اتفاق، اتفاق بزرگی بود. در دامن که خیل اذیت شدی،
در دامن که بیشتر وسایل هایش که داشت تو این سبیل از بین رفتی و تفریق ناراحت هستی!
انتظالی ندارم، در سبیل من هم مال تو، تنها الان می پرس چرا؟ چون شما یک روزی این
اتفاق برای من افتاد. آن وقت چه می گفتی؟

ولی آدم چرا باید برای خیل ناراحت بشود؟ به این چیزی که به تو می گویم؛ لطفاً نوبیل:

در سبیل را می توانی در باره خریدی ولی اگر اتفاق برای خودت می افتاد، چه می کردی؟ نمی شد!
اتفاق را بر گرداند.

ما همه از یک جا هستیم. ما پسرهای ایران زمین می توانیم بهترین و قدری زودتر که فکرت
در این کشور ما باشیم.

پسین هندو زبانی نورانی در زندگی ما هست و این بهشتی به ما دارد.

گذاشته ها را فراموش کن و هر روزهای خوب آینده زندگی کن.

فریاد صدای منج - انصار
دفتر قائم نریبا کرین

سلام درستان عزیزم!
می دانم که حال خوبی نداری چون همه چیزتان را از دست داده ای.
تو الان با من، چون همه چیز در دست من روز قبل می بود. دوباره همه چیز را از تو
مخیر می کنم.
می دانم که کار عملی است. اما باید همیشه امیدوار باشی و به خدا توکل کنی.
این حادثه برای همه ممکن است. باید با تمام حطی با این که حمی ما پیش شما هستیم
و با همه محدودی می کنیم.
که وسیله ای نیاز داریم ما را می نمایم تا نیاز جانیان به آورده بود.
در دستان عزیزم این را یادمان باشد که هرگز امید خود را از دست ندهیم چون ممکن
است در دستان از تلاش به داریم.

بگو در دستان شما از منی ایدی!

«بسم تعالی»

نامهای بزرگوار در سیستان

سلام دوست من!

سلام دوست عزیزم!

من تو را همیشه دوست دارم و تو هم مرا.

اما من تو را همیشه دوست دارم.

می دانم تو از هم دوستی ما را درک می کنی. ما همه دوستی در میان هم هستیم.

می دانم روزهای سختی را در کنار من غمگین می گذرانند. مثل این اتفاق هم زندگی ما را سختی

من تا از این دنیا نرفته هستی. حق بسیار ناراحت هستم و از خودم که با چهره ناخوش و زنی که

خبر نمی توانم ناراحت و غمگین و گناهت نیستی. نصیب ما پسرهای محروم و شما از آن محرومیت می گوییم.

در می خورم. به تو دوست عزیزم و در دستان در سیستان می گوییم اما می دانم هر کس در دنیا نیستند و در دستان

تا بتوانم کارهای بزرگ در سیستان انجام بدهم اما در حد توانایی من و وسایم به یاد شما هستم و می توانم

همی را در شرایط زندگی این سخت تر شده است. می دانم در تمام ایران دوستی نهی که شما را از درد دوست

دارد و هر کاری که بتواند در میان من کند تا شما شاد شوید. شاید ما پسرهای سیستان و منی از شهرهای بزرگ خوش

داشتیم و شما نمی دانستید. در این حال که امروز همه ما که در شرایط زندگی شما هستیم از طریق هم

می گویم خوشی، حال آن شادمانی که روزها همه حسرت می خوریم که در دستان ما بود. کو بی پروا می کند و مثل مادر حق

زندگی شوی و روزها در حال پیش و ما در میان زندگی ما.

در شرایط سخت اینها هر چه بنده در دستان من زندگی کنان می دهد ولی به آن پسرهای که در دستان ما هستند

و ما در دستان ما شادمانی زندگی بهتر می خوریم و در دستان ما با ما را داشته ای.

حسرت ایدرین
کتاب

«صدای کبری ۱۸ ساله» و «بسم الله الرحمن الرحیم»

بعضی وقت ها تنها بیدار می شوی و می بینی که در آنجا هیچ کاره نداریم. در وقت رو به روی خانه،

خانم و وسایل زندگی ام، تو بوی که در آن بازی می کردی. حله در آن خانه داشتیم. در وقت رو به روی خانه،

کل نروزی سر زنیان، ما دو بچه که مسجد، سالن ورزشی، ... مثل همه بچه ها و خانواده را در بچه

دقیقه است در وقت. هرگز فکر نمی کردیم روز از زبان ترسم. اما حالا فکر می کنی شماره بالایی ما داشتن مردم

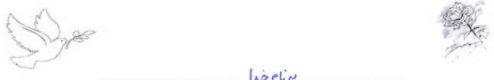
جمع شدند و زندگی ام را با خود بردند. حالا من خانه ام و همه ی شماره را آب. حالا من خانه ام و فرات

نمی توانم بگریزم و بسیاری از نروزیان مرا با نروزی برد. حالا در سبیل تمام شده است و ما ما در نروزی

کل آلودگی در آلودگی باید با خودمان دوباره سازیم. از فرات بزرگ و همکاران ما در دستان فری

و بعد با این تک که تا در کان فصیح بی صنایع فعلی دوباره خانه و نگاره و پناه داشته باشند.

این شاه الا در دستان ما از هر نوع بلاهای روزگار دورا داشته ایم. بیایم برای نروزی ما. «والله اعلم»

بنام خدا
 بزرگوار نام: **ایلیا اضراری - پایه هفتم**
 کرمکمان نازنین سیستان و بلوچستانی

سلام، از این روز تا گزیر به نوشتن این نامه ی کهنه احساس شرایط روحی و دردناک شامت کراز عرق و درد آزار تک می کنم. وی تراحم با ارتباط از طریق این نامه، با هم سن و سالان و کفین دستاں کوکبتر از خرم که چه چیزشان را به سیلاب سپردند و یا آنها را طغ کرده و شایق دوستی را تجدید کنم.

دوستاں خوب من، سر زمین ما ایران عزیز، جزیره شاهد حوالت و آفتابا تا ت گوا آوری مانند زلزله، سیلاب، آفتاب میوزی برسد در اقصا نقاط آن یوده است و اگر کرمی وقت کینم میزد، ای سویم بیشتر این آفتا تا تا خارج از طبایع انسان یوده و میاید توان آن را به مصلحت خدانیت داد به مبارق خدا. جعیه کارها را مطابق مصلحت و صلاح خودش جاری می کند نه بر طبق رضایت و میل انسان. بیاطر با یورید سرزشت زرتقی حضرت موسی (پی و حضرت یوسف (پی را که در کلاس درس به ما آموزش داد، موسی را به دریا سپردند و چاه پناهگاه یوسف شد.

از دست دوست هر چه ستانی سگر درد... سعوی رضای خود مطلب چون رضای اوست... دستاں نازنین من چه چیزتا را آب برد اما امیدتا را بلنگند آرد آب میدرد، شا خانه و گاشا نه کین کسقی کتاب و دفتر و حتی کچر ضیا با نفاهی که در آنجا خاطرات دلخنده چه وجه ارزست دادید و چه شا را دنگ می کینچ. اما این را بدانی که ایضا باز بدست آوردی است اگر امید را در ما از من میزننده باشند.

مهرتا را هممه این چیزهای ارزست داده. " زمان و فرصت یادگیری " است که میاید چه وقت آنرا ارزست دیجیم ما باید در هر شرایط دشواری فرصت یادگیری را ارزست نهیم و بیایمزیم و یاد بگیریم. وب نادانته های خود پی ببریم و انفا را کین کین... روحی موثقی اتفاق می افتند که ما در آن به چیزهای بی ارزش بنشینیم و فرصت و زمان را غنبت داشتیم وب دنبال یادگیری باشیم و وقت ما را به بجزوه صرف نشود و امید ما را دنگ به خدای مهربان باشد.

خدا مبارک، ایلیا اضراری

نامه من برای کودک عزیز استان سیستان و بلوچستان

سلام من یا سینین الهام منی ههستم من در استان تهر ان زندگی می کنم و مثل تو یک کودک ههستم من ۸ سال دارم و به کلاس دوم می روم! نام من در سیستان من اجام موسی صدر است. امروز از اخبار شنیدم در شهر شما سیلاب آمده است و خیلی ناراحت شدم و یک لحظه به این فکر کردم که من در یک فاندس زیبا و شیرین زندگی می کنم و لباس های زیبا و اسباب بازی های فراوان دارم اما شما در یک یاد کویک زندگی می کنید و لباس هایتان کلبی است و اسباب بازی نوع ندارید و ما شما را دوست داریم و ای کاش به شهر شما نزدیک بودیم و به شما کمک می کردیم اما از راه دور هم به شما کمک می کنیم تا گاهی از مشکلات شما حل شود.

ایستون الهامی

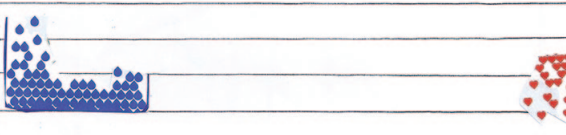
کلاس دوم دبستان

بنام خدا و به یاد شهدای عزیز

موضوع: **نامه ای بدو همای سیستان**

سلام به دو همای سیستان و بلوچستان منی پارسان از تلخ برای شما نارادتم ای کاش می تمنا خستیم برای شما کاره انجام بدیم و دلخ شما به سعادت فوراک و ایاس و می چیدی از اهل ان هداشتن کیفه در دفتر کنای مشکل دارید. طالع عظمی جلال عظمی برای قومم پیشه شما بقیتم تا به تلخ باشد بازی با یاد کنار هم بدرد من و مشتق به یک دیگر که کما کتم ه از رنجین هم عوری توامی که به شما که کانت نادر انگلیس با شهید امید وارم تا همان تر مشکل همه شما حل نشود.

از طرف: **پارسا بی هاسا**



خداوند بخاری چاه ششم

بنام خدا - کرمکمان نازنین سیستان و بلوچستان

سلام من یک دوستاں و هم سن و سال شما هستم. چون منم که یک کتب می بینم و با هم سن و سالان منم که دوستی کنم. کد کدی زندگی کنم هیچ کس عشق را ندانم و دوستی دوستی ندارم و هم صد نفره... هر چه خدایست همیشه چنین نیست بر روی زمین و همه شتر غنورند و بدرد خدایست کما حق ان که دانم که سرمه که بر روی دره دره هان جان من در من هاستانی ههستم که ما زجه با اناست و مردم خیر هاستان را اغای به هفتک ما شین هم بمرحله بیشتر دگمیت در مشکل با عظمی و طلالون حمله های میاید در شهر ما...

ماتریه حق از ایندیستان شده به بیم که شهر ما کجاست و در عاری که انایه تا بار دور است و عشق حق من از کجا کجاست است. اما چون دوستی ههستم که در هر ای کامان که سالها از انی شهر ههستم خسته و کینه دارم و من میزد و روی بر من کون... با چنر ههستم و نماند کما انی کونم در بیم و تنم که اگر کس به شرا و سوله کرده در سد آن کما مکرر به سیلاب خستیم و خیر طالع عفت است که در عفتا به سکان در عفتا ههستم که ای خدایست در ههستم...

چون که بر سرک به این ههستای دورن... زود تر نشود صفا کات من... آن کس که میاید به شهر ما است... گوی در اقله های کون مالاکرت... ناموتی ههستم که بدرد کون... زود تاد و دینون که در خسته تان کون... کونین بلها کسبیم در دست کون... بل کون کون در دست کون... به علی حق تا نخطام در انی ههستایم... کونین سانبه و کونین هم عوری به ش... انکی حمت شاه کما به مشور منین... انکان عشق خلد که از سر سب...

Subject:
Year: Month: Date:

۹۸/۱۱ // باران بهزاد فردا

سلام من باران هستم من در شهر تهران زندگی می کنم و در کلاس دوم دبستان
استاد خدا بخش درسی می خوانم یک روز مادر بزرگم به من گفته در سیستان و بلوچستان
معیله آمد و آب زیادی در خانه ها جمع و مردم به کمک احتیاج دارند باید به آن ها خوراکی و لباس
برسانیم * ن

من هم فکر کردم که باران خیلی خوبی است * ولی وقتی سیوی می آید مردم ناراحت می شوند و شاید
تعمیرات من برای دخترها و پسرهایی که در آنجا زندگی می کنند ناراحتی و به نگرانی تمام کند که من
به آن ها کمک کنم ولی نمی دانم چه طوری ؟

پس مادرم به من گفته نام ای برای نشان بنویس و احساسات را به آن ها بگو * ن

من هم به چشم های سیستان و بلوچستان می گویم که برای آنجا ناراحتی و دوسان دارم و
امید دارم زودتر سیوی تمام شود و دوباره خوش حال باشیم * * * * *

Home

بیانیه

بیانیه مردم

سلام میگویم به معبد ها و مردم سیستان و بلوچستان و امید دارم که هر چه زودتر
از این وضعیت سیلی مشکلات محو شود من امید دارم که هر چه زودتر بحال و محو
کسبجا بشودش برگردند

من برای همه مردم و بچه ها از شهر جنوب سیستان و بلوچستان دعا می کنم *
من که میدانم چه قدر سخته ها منم ب و هر آن سیستان و بلوچستان استعدادهای خوب
دارند ما نند پسر بچه ای که استقلال هست و را شیرین استقلال تقابل الکویت با ایران
شد بر این استقلال فرهاد همینم تقدیم به پسر بچه ای سیستان و بلوچستان تقدیم کرد بعد
آن پسر بچه دوستی با یک طرفه بجز این را از کون * هر آن حرف ها روزم گرفتار
سیستان بلوچستان بر استعدادهای خوب هست و امید دارم که هر کس به استعدادهای آرزو
شده اش رسد

راستی من برای همه بچه ها یک شانه سال استان روز دارم هر چه بگویم بزرگوار می بینم
تقدیر ب شما بچه های عزیز در سیستان و بلوچستان تقدیر می کنم

از طرف بویا برون ۱۳۹۵

بیم خدا


بزرگوار
۱۳۹۵

نامه ای برای سیزده سالگان سیستان و بلوچستان

سلام دوستان هم وطن های عزیزم با تمام بچرم شمارا احساس
می کنم که در چه وضعیتی هستید با نهایت تأسف و ناراحتی برای شما
آرزو دارم تا هر چه سریع تر مشکلات شما برطرف شود و بهتر شوید
دوباره شاد و در سلامت خود را بسازید



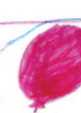


واقعا قلب همه ی مردم در این حادثه شکست خورده و با همه ی
بچه ها از آنده شمارا انده هیبت کند امیدوارم در روزهای پیش رو
وضعیت خیلی بهتر شود

آرزوی اینها ما بچه های



نامه ای به کودکان سیستانی

دوست عزیزم میگویم قوتها نوازه آن دوست ما با سلام و سلامت باشید و بتوانید
فناوری شهرتان را بسازید من هم سعی می کنم تا من با
شما کمک کنم تا شما هم ناراحتی نباشید



سازمان کتشن و نوزمانی صنایع ایران

شاهپا ۱۱۱۴
 نامه ای برای یک کودک هدف
 سلام ای دوست عزیزم زود به زود زده صدمم عزیزم
 تا برنده شوی در عازم هاستان هستم راسته سلم برستان ناراستم
 عاشق هم صفتی نیستیم دل یک ایرانی و صدمم عزیزم شما قلب من
 هم بدو صفا که با خدا صفت و صفتان برستان صدمم عزیزم
 کرم امیدوارم خیلی زود به زود عادت که قبلاً داشتید برگردید در دوستان
 به پایان میرسد
 نریسایه هر دو صفت سلامت داشته و در راه ری لب لبخند باشد
 ای دوست لایق من امیدوارم به خدا در دست صدمم عزیزم خداوند هم راست
 هم صفا . خدا صفتان صدمم عزیزم تا به این در بزرگ را عمل کنید
 شاهپا

نام = محسن اجبار ۱۳۸۳
 بسم الله الرحمن الرحيم
 سلام بر دوست عزیزم
 میدانم که شما ایل جناب است و ممکن است این نوشته بر دستم نوزسد
 ولیکن به امید اینکه این را بخوانی در دست قلم می گیرم
 دوست گرامی من ، تو سخته های زیادی کشیدی و این موضوع مرا اندوهگین کرد
 من هر شب اخبار را مشاهده می کنم و شاهد کفک های مردم دلسوز و خونخوارم و صدمم عزیزم
 از جمله کتونی نمودم که کلن رسید به هوراد یول جمع کردن شده و برای شما ارسال
 شده . میدانم در تمام این افراد اول خود را بر جای گذاشته اند و حال شما را در
 کرده اند و همین به شما گفت کرده اند که این تراکتی عدل و هیجان نام دارد

سلام دوست عزیزم دوست عزیز که لایقترها در دنیا من تکی می کنی
 من بعد از شنیدن سسل ناگوار ناخوشیانی که رخ داد واقعا ناراحت شدم
 این اتفاق آنقدری ناگوار بود که حتی تصور نمی کردم در توان سبت امانت امیرا
 می دهم که من یعنی ما قعا کتونی کشور سسل کردی که ری نامت زده ای در
 همین شرایطی بسیار دشوار است
 می دانم رها کردن خانه و فرسند و کوچی های تمام آخدرات را در آن سماعت
 خاصرات کوچی و توجراتی در هزاران چیز دیگر سمعت است اما باید رها کرد و باید
 رها کرد تا آنگاه که ساخت آنگاه ای نه تنگت رای سدر
 دوست عزیزم تو تمام مردم سحر و دستان تنها سبت تمام
 ملت ایران با شما در دستم در کی لقمه و برای کمک چه سفا و حتی اگر در
 دستم فقط کشور شما باشد یا ما آجان و دلستان می نویسد تا صدمم عزیزم
 از آثار آن سسل ناگوار را جبران کنه
 امیروارم و آرزویم که دیگر چنین اتفاق ناگوار نشوید و سفا بله برای
 هیچ صدمم عزیزم رخ ندهد
 به امید روزهای بهتر
 ده هلیا حلوانی
 ARSH

نورا حسینی
 (به نام خدا)
 سلام من نورا هستم فویه حالت خوب است وقتی که خبرم دیدم در آنجا
 سسل آمده است خیلی ناراحت شدم دوست دارم به آن جا بیایم اما
 نمی توانم چون به مدرسه می روم و خیلی راهمان دور است اما دوست
 دارم از راه دور کمک کنم آدرس خانم تان را برسی من توی نام
 بنویسی و بفرستی می دانم آنجا به تو بسیار سفت می گذرد خیلی هازدنی
 رفتی می دانم آن جا پر از آب است و خانه هاریت است ولی امیدوارم
 باشی به خدا توکل کن من دعا می کنم مشکلتان حل شود امیدوارم حالت
 خوب باشد بر این نام بفرست دوست خوب من



موضوع: نامه به کودک سیستانی بنام خدا
 ۳۰ حین خورشیدان ۱۱ ساله مورخ ۱۴/۱۱/۹۸

من دانم که این وضعیت برای شما خیلی سخت است و شما در سختی زندگی من کنید من شما را درک می کنم انشاء الله که وضعیت لیلی زندگی حل شود و همه سیستان و بلوچستان عزیز و بزرگوار سیستان و بلوچستان در کنار ایدرو مادر خود به خوبی و خوشی زندگی کنید من شما را درک می کنم که در جای دیگر زندگی من کند و در سرما دستزد من امیدوارم همه چیز به خوبی پیش برود و شما به مدرسه بروید و درس هایتان را بخوانید و آینده من خوبت برای خودتان درست کنید شما تجربه من خوب از این اتفاقات دارید من می دانم که شما وقتی به آرزو هایتان رسیدید صحنه است در آن زمان یک فردی دچار مشکل شود و شما می توانید به او کمک کنید...

نام: پیکر کودک سیستانی
 ۲۱: همسایه خوشگله ۱۲ ساله مورخ ۱۴/۱۱/۹۸

با سلام من برادر شما دوست عزیز یک نامه نوشتم من شما را درک می کنم چون چیزی که برای یک کودک در صحنه زندگی مهم است مدرسه است ولی مناسقات مدرسه با هر چیزی دیگر نداشته در اثر معین کادر سیستان رخ دادن از بین رفته من می دوست شما دوست عزیز از این اتفاق ناراحت هستم من می این نامه را برایش گذاشتم که بشود دیگر راحت باشه و تو که باها به خدا باشه چون وقتی که شرایط سختی قرار گرفت خدا توکل من تر همیشه نتیجه داده ای دوست عزیز من سرشار براتون دعا می کنم و دلبر شما که از این وضعیت نجات پیدا می کنید تازه دولت و تعداد از هر که دارن بر شما کمک می کند و کمائی که دستتون خالی هست براتون دعا می کنم چون من را که همه چیز خوبی پیش می ره من دوست شما رو با شما من شما را به معنای کنه کنه شرمناک در قلبی می کشم دوستی که می تواند این شرایط سخت را تحمل کنه و با این حال که شرایط سختی داره خنده بر لبه لبه سلطان است ای خواهرهای برادر گیتی همیشه بخندید و لبخندان و لذت من ذره ای که کوهان

نام: سیدنا
 نام خانوادگی: رحیمی
 نام: آن به دوست سیدنا زده ام
 مکان: نورس
 تاریخ: ۱۴/۱۲/۹۸

سلام دوست عزیز من
 تا زمانی که من می بینم که در استان سیستان و بلوچستان آمد باعث شده خانوادگی که خراب شود سیدنا وارد خانده است من می دانم که در این سرما لباس گرم، پیژمه و سرناهایی مناسب ناری و روز و شب ما میت را به بیفوقی و نظافتی من می دانم ممکن است بعضی از اعضای خانواده ات را از دست داده باشی این را می دانم که عید نزدیک است و همه ما تنهایی و غمناک هستیم و این غمناکی زیبا و لباس نو داشته باشی و روزهای شادمانه عید را در کنار آن ها جشن بگیر و به ایدر اتمام بروی دوست تا زمانی که ما در تهران ایران در حد توان کمک می کنیم تا انانان است بسیاری و رنگ خوبی را آغاز کنی من در آرزو اول اینکه خانده شورت سلامت شود دوم اینکه دیگر هیچ سبیلی را هیچ یک از بابایی طبیعی برای شما و بلکه برای استان دیگر کشورمان پیش نیاید به امید آن روز دوست خود امیدوارم در درس و معاینه موفق باشی و همیشه سر بلند و سراسر انانان باشی به امید آن روز به امید آن روز

نام: سیدنا
 نام خانوادگی: رحیمی
 نام: آن به دوست سیدنا زده ام
 مکان: نورس
 تاریخ: ۱۴/۱۲/۹۸

سلام دوست عزیز من
 تا زمانی که من می بینم که در استان سیستان و بلوچستان آمد باعث شده خانوادگی که خراب شود سیدنا وارد خانده است من می دانم که در این سرما لباس گرم، پیژمه و سرناهایی مناسب ناری و روز و شب ما میت را به بیفوقی و نظافتی من می دانم ممکن است بعضی از اعضای خانواده ات را از دست داده باشی این را می دانم که عید نزدیک است و همه ما تنهایی و غمناک هستیم و این غمناکی زیبا و لباس نو داشته باشی و روزهای شادمانه عید را در کنار آن ها جشن بگیر و به ایدر اتمام بروی دوست تا زمانی که ما در تهران ایران در حد توان کمک می کنیم تا انانان است بسیاری و رنگ خوبی را آغاز کنی من در آرزو اول اینکه خانده شورت سلامت شود دوم اینکه دیگر هیچ سبیلی را هیچ یک از بابایی طبیعی برای شما و بلکه برای استان دیگر کشورمان پیش نیاید به امید آن روز دوست خود امیدوارم در درس و معاینه موفق باشی و همیشه سر بلند و سراسر انانان باشی به امید آن روز به امید آن روز

نام: سیدنا
 نام خانوادگی: رحیمی
 نام: آن به دوست سیدنا زده ام
 مکان: نورس
 تاریخ: ۱۴/۱۲/۹۸

سلام دوست عزیز من
 تا زمانی که من می بینم که در استان سیستان و بلوچستان آمد باعث شده خانوادگی که خراب شود سیدنا وارد خانده است من می دانم که در این سرما لباس گرم، پیژمه و سرناهایی مناسب ناری و روز و شب ما میت را به بیفوقی و نظافتی من می دانم ممکن است بعضی از اعضای خانواده ات را از دست داده باشی این را می دانم که عید نزدیک است و همه ما تنهایی و غمناک هستیم و این غمناکی زیبا و لباس نو داشته باشی و روزهای شادمانه عید را در کنار آن ها جشن بگیر و به ایدر اتمام بروی دوست تا زمانی که ما در تهران ایران در حد توان کمک می کنیم تا انانان است بسیاری و رنگ خوبی را آغاز کنی من در آرزو اول اینکه خانده شورت سلامت شود دوم اینکه دیگر هیچ سبیلی را هیچ یک از بابایی طبیعی برای شما و بلکه برای استان دیگر کشورمان پیش نیاید به امید آن روز دوست خود امیدوارم در درس و معاینه موفق باشی و همیشه سر بلند و سراسر انانان باشی به امید آن روز به امید آن روز



سازمان کتبخانی و نشریاتی صیقل ایران

کاربرستان
۹ ساله

بچه های سیستان و بلوچستان برای شما خیلی ناراحتم برای اینکه همه ی خانه ها تان خواب شده همه ی دفتر و کتاب ها تان خیس شده ناراحتی می خواهم شما لک کنی مثلاً براتون کتاب در دفتر بنویسم من شما را خیلی دوست دارم می دانم که الان مدرسه ندارید می خواهم اینکه براتون لک بکنم

♥♥♥

عزیز: نامه به بچه های سیستان و بلوچستانی (بچه های خلاق و دانایان) «جانان رضائی»

من نامه ای سفت است برای من هم صحت است در سه اراک مورو و آنکه وصیت در آب پیچیم
من نامه ای تمام کتاب در دفتر ها تان، دفتر تان، بنامه های تان و همه ی وسایلی تان ازین بقیه ای بود که از من ایستادم
و از شما هم من خواهم به امید دریا بیدری دانم این نامه که خدا با شماست و بچه های که خوابه کرده بعد ما خدا
صفا که توی در در این سبیل هم که توی در در راهت نباشد. رست خواهد بود. به من می گم در نهایت
لکیم را ایمانی من توانم به بقیه بکنم و همه ی بچه های که نامم به تاجی که بر تو ان خود و غلظت نام است به
شما لک کنی که توی خورا هم باید امینور باشی ایران را به بچه های تان از دست نهید و توی ایستاده ایست
که روزی همه ی اینها رست می شود. فقط و فقط کافی است که توی بیدید و بیدید و بیدید
چیزها را از خورا و تعلق بخوابید و امید داشته باشید. باید مقابل این سبیل و آب در توی ایستاده آب
نیز و دست تان بکنید. از روی لکم همه ی این اتفاقات به زوری نام سوند شما با تان صابن به زنی حرف
و خوشی از راه نهدید و راه و خوشحال باشید. لک و رفتن ها و وسایلی جدید بخنید و بیدید و بیدید و بیدید
بیدید تان. بیدید و زین تان لک تان را بیدید بکنید. فقط کافی است که در لک لک ایستادید بیدید
و با بیدید و امید که به بیدید چه از دست ندهید و لک تان به سبیل هر چه می شود و بیدید تان
تجانز لک تان که سبیل لک تان با این سبیل چید سوند و شاکه بیدید به تان تان که لا از خود و لک تان و
زنی لک تان در بیدید و شاکه بیدید زنی لک تان بیدید بیدید بیدید بیدید و شاکه بیدید بیدید بیدید
فوست درم به بیدید افرازی در راه سبیل جان خود را از دست داده اند بیدید بیدید و بیدید بیدید
ایز تان این سبیل بیدید بیدید کرده و از شما خواهم بیدید تان بیدید بیدید و امید دارم که بیدید بیدید
و خوشی زنی لک تان و شاکه بیدید بیدید

«چاپیان»

به نام خدا

بوست بلوچستان فریبش و سلام

امید دارم که حالت خوب باشد امید دارم که سبیل فوست با خواب شروع کنی

من تان تو صلی ناداهتم من خود خاتم به حق که تان من کیم عا فوست ات

با بیدید من همیشگی به تو خا می کنم

امید دارم خودت و خا بیدید. کل بیدید

بوست بلوچستان (نام)

با سلام به بچه های سبیل زده سیستان و بلوچستان من از زبان
سبیل به خانه ها تان که سبیل زده خیلی تان من و اقا بیدید تان
می گم و روزی درم که هر چه زودتر آب گرتی از من بیدید
اما فقط از در کردن دعا کردن ما نیست شما هم با بیدید بیدید
به روحین ما سبیل تان ما بیدید... شما و فوست تان بیدید
تلاش کنی و بیدید فوست تان بیدید با لک تان که مر سنا دارم
شما تان را بیدید بیدید بیدید بیدید بیدید بیدید بیدید

همکاران رضایی فرزندی
کلاسی لکم



بسم تعالی

کسری ریویزی (۸ ساله)

نعلای بکوف سیستانی

سلام بر تو ای دوست و هم وطن عزیز من، اسم و بنده که برای تو دوست عزیزم می نویسم کسری ریویزی است. من بابت سبیل اخیر که آمده فوق العاده ناراحت شدم و تا چند روز ناراحت بودم. من این نامه را نوشتم که با تو همدردی کنم. خیلی دوست دارم که مادر خانگی گرم و آرام دارم زنگی می کنیم و شما در آن سرما در پارک های کوچک و سرد داریم زنگی سستی می کنید. راستی درس ها بتان پطور شد؟ مدرسه شما باز شد و به کلاس می روید و کلاس شما گرم و تمیز است و کار نامه می ترسم اول خود را گرفتید؟

دوست عزیز من و برادر من کیان قرار است جایزه ای که از طرف سازمان کوشش و نوآوری صنایع ایران به شما می دهیم.

(دوستدار شما کسری)

دوست عزیز من در سیستان و بلوچستان سلام می دادم این روزها حالت خوب نیست باران زیاد و سبیل فانتان را فراب کرده است و زندگی برای شما سخت شده است.

امروز در شهر من هوا آفتابی و فانتان گرم است. فانتی ما شگفت و دیوانه دارد. من با خودم فکر می کنم ای کاش فانتی شما هم سالم بود ای کاش تو هم قویتر و جان بودی. من زبانی فواهم چون یک هفت مدرسه من را به دست تو سپردم. من از ته دل برای شادی تو و خانواده ات دعا می کنم. خدا دعاها را می شنود و تو را زودتر انجام می دهد.

با آرزوی فنده و سلامتی تو دوستی با با قبول داد فودش هم برای لعلی به شما لاری بکند. دوست تو - رشان

بسم تعالی

کسری ریویزی (۸ ساله)

نعلای بکوف سیستانی

سلام بر تو ای دوست و هم وطن عزیز من، اسم و بنده که برای تو دوست عزیزم می نویسم کسری ریویزی است. من بابت سبیل اخیر که آمده فوق العاده ناراحت شدم و تا چند روز ناراحت بودم. من این نامه را نوشتم که با تو همدردی کنم. خیلی دوست دارم که مادر خانگی گرم و آرام دارم زنگی می کنیم و شما در آن سرما در پارک های کوچک و سرد داریم زنگی سستی می کنید. راستی درس ها بتان پطور شد؟ مدرسه شما باز شد و به کلاس می روید و کلاس شما گرم و تمیز است و کار نامه می ترسم اول خود را گرفتید؟

دوست عزیز من و برادر من کیان قرار است جایزه ای که از طرف سازمان کوشش و نوآوری صنایع ایران به شما می دهیم.

(دوستدار شما کسری)

بسم تعالی

کسری ریویزی (۸ ساله)

نعلای بکوف سیستانی

سلام بر تو ای دوست و هم وطن عزیز من، اسم و بنده که برای تو دوست عزیزم می نویسم کسری ریویزی است. من بابت سبیل اخیر که آمده فوق العاده ناراحت شدم و تا چند روز ناراحت بودم. من این نامه را نوشتم که با تو همدردی کنم. خیلی دوست دارم که مادر خانگی گرم و آرام دارم زنگی می کنیم و شما در آن سرما در پارک های کوچک و سرد داریم زنگی سستی می کنید. راستی درس ها بتان پطور شد؟ مدرسه شما باز شد و به کلاس می روید و کلاس شما گرم و تمیز است و کار نامه می ترسم اول خود را گرفتید؟

دوست عزیز من و برادر من کیان قرار است جایزه ای که از طرف سازمان کوشش و نوآوری صنایع ایران به شما می دهیم.

(دوستدار شما کسری)



سازمان تشریح و نو سازی صنایع ایران

تقریباً اعلیٰ فرزندان
سلام

دعوت سیستان و بلوچستان
هدانم که دولت شاد بپسند، آفتاب صبحی زیباییت را
آب چیده با دستانت بر لبین دعا می آید که بر زهرهای
شادی درشتن باشی.
دیده نیت محمد رضا

Subject: _____
Date: _____

به نام خدا
نام برسی بچه های سیستان و بلوچستان
سلام بچه های سیستان و بلوچستان میدانم که در آن جاسیل آمدن من دوست
داشتیم اسباب بازی هایم را به شما هدیه بدم و دوست داشتیم کتاب
هایم را به شما هدیه بدم و شما هم چینی مادرین بگو ای در میدانم که ای بچه های
و ادعای کتاب هایگان را بسیل برده است و من به همه شما دعا می کنم

سید محمد کاظم صبحی - ۱۴ ساله - کلاس سوم

سلام هرطن سیستان و بلوچستان ای میروم حالت خوب باشد، من را اضا بشیدم که بسیل
آمده است و من منامی ناراحت کنده ای دیدم، غمخوارم بشد و به فکر ضرورتش و به خود گفتم
ایچ بقیه ما چطور درس می خوانند و چه درسم می روند، این شما الله عزیزه زودتر مسئولین فکر
درستی بکنند و شما را از اجابت دهند.
من صبری محله نزدیک خانه مان، عیبی نداشته بود برای چه آوری کف به بسیل زده ای
سیستان و بلوچستان، برای صبح به مادرم گفتم و پتو و تش ملی دادیم به دوست شما ما هر سه
کوتی این هر سه و صراحتی بود و قلم هم بخورید.
از مدخل درصه بزد و درون نازم سوار بسیل ایتم من شدم و حرم - گلستان من آفتم عین دوست
دارم حضور به شما کف به کردم، امیدوارم حرم زودتر مشکلات شما بر طرف شود و خانه برایتان
سازند و لغرض انخوری و صبر شما داشته باشی و به درس و بازی من همیشه پیروز بود.
استان سیستان و بلوچستان، ما سانی بسیار زیبا در جنوب تشریح ایران قرار گرفته است.
این شما الله با کف خدا و یاری مسئولین و کف مردم، هر چه سریعتر زیبا بپای این استان را
به دست آورم

به نام خدا
سید علی نامی حسینی - ۱۴ ساله - کلاس هفتم

سلام بزرگوار هم وطن عزیز من زمانی که خبر غم انگیز دربار سلین در خانه و کاسان شما را شنیدم
بسیار ناراحت شدم، بسیار سخت است که تولد خانه گرم و رنگت محروم شده ای و تمام اسباب
و وسایل زندگی شما خراب شده است و در زمانه شکر و از درون و تحصیل محروم ماندید.
ما را در غم و سختی حایت شریک بدان بسیار به شما فکر می کنم دوست دارم به بهترین شکل
سکین به شما کمک کنم برای همین من و دو دارم تصمیم گرفتیم که اندوخته ملکمان را به حساب
حلال اصر و ابریز کنیم هر چند اندک است و حجاب آوری ضرر زبان شما نیست، شما باید به خدا توکل
کنید و صبر داشته باشید کمک های مردمی برای شما ارسال می شود و شما تنها غمخیزهای مردم
ایران از شما حمایت می کنند و انشا الله به تدریج ما زهای شما حاضر شده و در آن زندگی
خواهید کرد من دانستم که در این روزها هوا خیلی سرد است و شما برای گرم شدن ما شکر روزی
جستید، امیدوارم که مشکلات شما حل شده به امید دیار.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

ملیابز جانان ۱۴ ساله نژاد محمدرضا جانان * نامه ای به کودکان سیستان *

سلام ان سیستان، سلام ان هم وطن.

ایزدان ابداع و احوال شما کنی بهتر از من البته در این روزها ابداع و احوال حق به خودی و غیره است؛ اما من با شما احساس محرومی می‌کنم. من احساس می‌کنم که هیچ‌چیز مانده روز اول می‌گذرد و دوباره سیستان همان سیستان قبل می‌گذرد. بعضی وقت‌ها تنها چیز دقیقه زنگی تورا زیر و روی کف اما زنگی به زنگی خود را سست‌ها بناه و نابود کنی با آنها بود که آیا چه می‌گذرد. تو بایر با تلاش و امید به آیندهات زنگی خود را مبارزی. در سینه‌ها شفا خانه، خیابان کوچ و مسجد مسلمانان و غیره را بر آما ما به کف شفا می‌آیم و دوباره سیستان از شما با هم می‌سازیم. سیستان بهتر از سیستان در قبل در مسلمانان بهتر از حد سینه‌ها قبل از سیل می‌سازیم. می‌دانم چه قدر سخت است از دست دادن چیزی، آن‌جا هم حکم با هم. باز هم می‌گویم ما با هم محدود هستیم. حکم از یک خاک و یک مرد مردم هستیم چه تهران؟ چه سیستان.

* نامه ای دوست که سرچ ما را از دوست * کسوفلاقی

موضوع: نامه ای به کودکان سیستان

با دین مکتب رسول اخیر سیستان و بلوچستان تمام مردم ایران را غافل کرده است. بر اثر ثروت مغرب اقتصادی که سبب به شما و هم می‌باشد این مسئله تا غیر منطقی داشت. مردم عزیز ایران می‌دانند که سیل اخیر سیستان و بلوچستان باعث شده است که دیگر نخواهد بود یک زنگی آرام آمده مثل قبل داشته باشد. این را می‌دانیم که شما با سیستان خیلی زیاد در یک می‌خوابید و می‌ای رفتن به مدرسه یا به سرپرستی ای را می‌بینید مردم ایران. هم در شما هستند و صلح هستند که چه رفتن‌های زیاده را خلق می‌کنید و عاقبت شما را در کس می‌کنیم. اگر همه مردم ایران با یک دیگر در یک می‌خوابیم که کند و کند و شکاف کند شام می‌خوابید مثل بنیاد مردم با خیال راحت شب را صلح کنید و خوابش شگفت و مردم‌های که به خانه مردم و نام مکان‌های که مردم در میانند را بچران کرده و شما را خلق می‌کنید به همراه خانه‌ها و مردم‌ها از این وضعیت و گرفتاری نجات پیدا کنید.

برای خودی که شما که گمان بر داشتی آمدن عزیز به آرزو خانه‌ها تک و تک دلان بر سر و دیگر ضرورت داشتنی چیزها بر دلان ماخذ. دوست دادان شما عزیزان: کسوفلاقی عزم ما

* نامه ای به کودکان سیستان *
* کسوفلاقی *
* کسوفلاقی *

سلام بر دوستان همه در من و سیستان و بلوچستان.

بر دوستان ابداع و احوال شما کنی بهتر از من البته در این روزها ابداع و احوال حق به خودی و غیره است؛ اما من با شما احساس محرومی می‌کنم. من احساس می‌کنم که هیچ‌چیز مانده روز اول می‌گذرد و دوباره سیستان همان سیستان قبل می‌گذرد. بعضی وقت‌ها تنها چیز دقیقه زنگی تورا زیر و روی کف اما زنگی به زنگی خود را سست‌ها بناه و نابود کنی با آنها بود که آیا چه می‌گذرد. تو بایر با تلاش و امید به آیندهات زنگی خود را مبارزی. در سینه‌ها شفا خانه، خیابان کوچ و مسجد مسلمانان و غیره را بر آما ما به کف شفا می‌آیم و دوباره سیستان از شما با هم می‌سازیم. سیستان بهتر از سیستان در قبل در مسلمانان بهتر از حد سینه‌ها قبل از سیل می‌سازیم. می‌دانم چه قدر سخت است از دست دادن چیزی، آن‌جا هم حکم با هم. باز هم می‌گویم ما با هم محدود هستیم. حکم از یک خاک و یک مرد مردم هستیم چه تهران؟ چه سیستان.

بسم الله الرحمن الرحیم

نامه ای به کودکان سیستان

سلام به شما برادر و خواهر و همگامی خودم در استان سیستان و بلوچستان سیل اخیر سیستان و بلوچستان تمام ما کودکان ایران را غافل کرده. سلی که علاوه بر ویران کردن خانه‌ها و مدرسه‌ها حیوانات به شدت در روضه و انگیزه و تشاغل خانوادگی و مخصوصاً شما کودکان در این امر از این منافع محروم تأثیر منفی گذاشت و باعث بیشتر شدن مشکلات و ناراحتی‌ها شد. از همین رو ما کودکان هر طرف شما چون می‌توانیم در کنار شما حاضر و به شما کمک می‌کنیم و می‌توانیم خود می‌دانیم که با کمترین کار و زحمت می‌توانیم در ایجاد انگیزه و امید و دلگرمی برای شما اینکار کرده و با شما همراهی کنیم. اگر چه نمی‌توانیم در کنار شما حاضر و وقتی در خوشحالی می‌دانستیم و می‌توانیم و می‌توانیم راه دور آرزوی بیشتر روزهای خوب و موفقیت‌آمیز را بر استان دارم. حامی دارم هر چه زودتر مشکلات شما بر طرف شده و مشکلات و به نفع شما به کلاس‌های درس بر سر می‌روید و در کنار خانواده خود خوشحال و شاداب به زندگی خود ادامه دهید.

صفتی منقل علی کافی
۱۲ ساله از خهران

مهسا لطف

به نام خدا

سلام دوستان عزیزم من خیلی ناراحت شدم وقتی که فهمیدم شما لباس غذا امداد کتاب دفتر و حتی مدارس خود را داده اید من خیلی دوست دارم تا من بتوانم به شما کمک کنم و حتی شما را به خانه خود دعوت کنم و حتی من کتاب ها و لوازم را خیلی دوست دارم خیلی ناراحت شدم که شما کتاب ها و لوازم خود را از دست داده اید من از وقتی که در شهر شما سیل آمده خیلی غمخیزم خودم من خیلی ناراحت شدم وقتی که فهمیدم بیش تر جاهای شهر شما خراب شده است ما می دانیم که خانه هایتان را آب برد کثیف و کتاب و دفتر هایتان در گل و لای فرو رفته است همه این ها را در تلویزیون دیدم ما دانیم دیگر تلویزیون ندارید تا کارتون و شبکه یو یو را ببینید دیگر سقف با سرتان نیست تا شب ها آسوده بخوابید ما نیز دیگر کمتر شبکه یو یو می بینیم و با اسباب بازی هایمان کمتر بازی می کنیم چون دیگر شما اسباب بازی ندارید آرزوی منم که زود تر به خانه های خودتان برگردید و با آرامش تمام زندگی کنید

خدا همیشه با ما کودکان است

« به نام خدا »

سلام با دوستانِ نو بکم، کودکانِ سیستان
و بلوچستان. می دانم شما دوستانِ نو بکم
به دلیلِ آمدنِ سیلِ خشکِ دارید، قلبی ناراحت
نباشید، زیرا خداوند بزرگ است و شعرا
یاری می کنند.
ایرتان به خدا باشد و پیرایه که من و
کودکانِ دیگر شما را قراوش یعنی کنیم و
برایتان دعا می کنیم.
ما شما را دوست داریم، زیرا ما یکدیگر را دوست داریم.
خدا حافظ. n مهرزاد محمدی n

به نام خدا

سلام بچه های عزیز سیستان و بلوچستان
من از تهران برای شما نامه می نویسم.
از این که سیل خانه های شما را خراب کرد و خیلی ناراحت
شدم. اگر کمک نیاز دارید به ما بگویید.
ما هر کاری بخواهیم برای شما می کنیم.
امید داریم که هایتان خوب باشد.
ما دعا می کنیم که زود تر خانه و زندگی شما درست شود.

از طرف مهر آیین مساجد

به نام خدا

سلام امیر جان
وقتی شنیدم باران می باره خوشحال شدم. گفتم: امیر جانم، باران باران
سالمه است. نغمه است. می بیند. دردت صفا برون باران چه خاطره کنیز است.
نه دانستم که دردت درون باران، به ریختن دیوار خانه های من می شود و حتی
تکلیف شدم دیدم، به این خانه های من دقت کن که همه به این برسوا
مورد آمده است. دروغان و دردت به نواحه کان تبوی شد.
شاید تمام های کوچیک من دوست شما تواند، دکتری رنگی برای شما شود.
امیر جان، جاندار است امیر دلم زود تر شما را آید شود.
و چنان سیه ابر کاریان شد
لبهای زمین از غم او خندانند «
« پرورد دلش از همه ... باید آفتاب
تا شکر به دست رسد دیوان شد «
دست زسته ای به دست منم امیر جان از طرف امین ملک بری



سازمان کنترشن و نو سازی صنایع ایران

مدیریت ارتباطات، بهمن ۱۳۹۸

تهران، خیابان ولیعصر (عج)، نبش جام جم
تلفن: ۲۲۰۴۴۱۰۱ فکس: ۲۲۰۴۰۰۱۰
صندوق پستی: ۱۸۵۵-۱۹۳۹۵

WWW.IDRO.IR